

آویز روی داد فیروزی با دشمن بود - بزرگ هنگامیکه روس و اتریش همدمی یکدیگر جناحه نگاشته می آید با عثمانی بنیاد ستیز و آویز را گذاردند - نخست خونین دژ تاب خود داری نیاورده بدست دشمن افتاد در ایجنگ ها و ارنالوشی شکم روش مردمی که از دوسو تپاه و براتساد اسکر خواسته باشیم بشاریم بشار نگذجد - و در آنسامان جز از گیاه چیزی یافت نمی شد و گرای و نایابی بی پایان بود - از برای روسیه گرد آوردن توشه ارجاهای دور و دراز ریحی جان فرسا داشت ( گرفتن روسیه دژ اوزی را )

خود سه سالار روس پوتنکین از برای گرفتن اوزی برحاسته و چون سکرها و مرد بناهای ( دژ اوزی ) بسیار سحت و استوار بود و در میانش سپاه اسبوه و زاد و توشه و سار و برگ بی پایان روزگای دور و دوار بود که بر او دست یافتن نمیتوانستند - و از یک سو زمستان روی سرد خود را نمودن گرفت - و روسی را بخزیدن زیر زمین ناچار داشت - پس از برای خود در زیر زمین بنیاد جا ساختن نمودند - اما همه روزه گرای و نایابی توشه و راد روز افزون بود و روزانه مردم بشمار از آنان تپاه میشد و سعی بر آنان حیره و رورگارشان نیره میگردد - پوتنکین دید از روز شکاری جز تپاه سپاه بهره نیست ناچار بدالسر شد که تاخت و بزور ( دژ ) را بدست آورد و بهبوده سپاه را تپاه نماید - چون زمستان و آب رود یخ بسته بود و بارو و سنگر رو بروی رود خانه هم چندان استواری داشت سپاه را از روی یخ بتاخت ( دژ ) بر انگیخت - تا آنکه سپاه عثمانی پایداری نمودند و چندین بار سپاه روسیه را بس راندند - اما سرانجام در برابر آندشمن حیره سر در ماده ( دژ ) بدست سپاه روس افتاده و سپاهیان عثمانی که در سر بارو و سنگر بودند بسیار از سپاهیان روس را از دم تیغ نیز مرگاب چشاندند و در درون ( دژ ) نیز سپاه بشمار از روشیان بر ~~گذاشته~~ اما با کفقت و کشتار فراوان آن لشکر پشمار

را بر انداختن نتوانستند و شهر یکبار بدست دشمن افتاد چون پیش از پست هزار دو دور شهر از سپاه روسیه تپاه شده بودند پوتنکین تا سه روز سالدات را پیناگری و هرزی و ویرانی دستوری داد - از اینرو از مردم درون بیست و پنج هزار کشته شدند - اما با آنکه اینفیروز مندپها زیانش از برای هر دو سو یکسان بود امپراور یچه از جنگ و ستیز سیر نگشته و دست از آویز کوتاه نمود - و پیوسته بی بیم و ترس به آماده نمودن ساز و برگ و مرستان سپاه میپرداخت و آنچه از اردوهای اسوچ و تونه و قریم گاسته جایش را پر میکرد - تازه به اندازه که در کار بود سپاه کسبل داشت و چون همه روزه باید سرباز و سوار گرفته شود کشور را تاب و توان بجا نمانده بود - شاید شده ناچار کسانی که در سپریا در بند بودند حوانده و در جرگ سپاه در آورد - پس از آگاهی یافتن از گرفته شدن اوزی از برای پوتنکین صد هزار منات بخشش فرستاد و بایک باسنون دانه نشان و نخستین نشان ( گوا لوبر جارج ) با پایه آخرین گروه قزاق - و هر یک از سرگردگان که کاری شایسته نموده بودند فرا خور آن پایه بخشید و بخشش نمود و بسر باران و سواران نیز بخشش ها داده از خود خوشنود و بکار جنگ دایر کرد

اما کسانی که از زادگان روسیه و بزاد و بوم دوستی خود را سرافراز می شمردند و در جرگ بزرگان بودند بیشتر از آن گروه بر فیروز بختی پوتنکین رشک برده بختم آمده بودند - و از برخی رفتار او گمان مینمودند که در سر او هوای بادشاهی هم هست پس نمیخواستند همه روزه برتری جوید و سفید روی او را دست دهد و بهر کاری فیروزی و بختیاری یابد - اما بهبوده بودن گمان آنان در هنگامش مویدا گردید - هم چند گمان آنها هم بچا نبود و اندیشه آنها در دل داشت که اگر اطلاق و بندان را بتواند از جنگ عثمانی بدر آورد یک فرمانفرمانی از برای خود استوار و با برجا نماید ( بقی دارد )

اصطلاح

در شماره ۲۹ سال دوم ترجمه مقاله (دکتر جوزف) فرانسوی (که درباره ترقیات عبرالمقول شیعه) نوشته نام تمام در نامه مندرج شد. برخی از مشترکین محترم - بواسطه تکمیل آن مدل را عمده و اندراج آن را در يك نسخه خواستگار گردیدند لذا عنوان مذکور را ذیل آن نگاریم

ترقیات عبرالمقول فرقه شیعه (دکتر جوزف) که یکی از مورخین معروف فرانسه است در کتابی که به (اسلام و اسلامیان) موسوم نموده شرح ترقیات هر يك از مال اسلامیه را بدلیل و شرح نوشته مصنف مزبور مدعی است که تا کنون شرح حالات مسلمانانرا مدالاه مثل او احدی از مورخین اروپا نه نگاشته است

دکتر موصوف بدو مسلمانان را بدو قسمت منقسم نموده - میگوید که از بعد رحلت بنی اسلام (محمد ابن عبدالله صلعم) مناسبت حاشینی او که مسلمانان بملط (حلافت) یاد میکنند اختلاف کله و عقیده در تابعین وی پیدا شد - فرقه بخلافت دامادش (علی ابن ابیطالب علیه السلام) قائل و فرقه دیگر بخلافت پدر زن او (ابوبکر ابن ابوقحافه - رض) گردن نهادند - محققاً از همان روزی که محمد ابن عبدالله ترك این جهان گشت این اختلاف کله در مسلمانان محسوس آمد -

ولی از تواریخ نمیتوان دریافت نمود سکه این دو فرقه کس اسبی جداگانه در چه تاریخ کرده اند - یعنی در چه زمان پیروان داماد شیعه و تابعین پدر زن سنی نامزد گردید - ولی روز بروز تباینات این دو فرقه زیاد گشت تا اینکه داماد جانشین شده و زوجه پیغمبر (طایفه - رض) که دختر جانشین اول بود بر مخالفت او برخاست و برادر زن دیگر محمد (معاویه) در شام بیعت پادشاهی آفراشت و جنگها شد و خونها ریخته گردید و آن زمان بنیوت این دو فرقه قتل و قتل و قتل

بخونریزی و خونخواهی کشید بدعاوت ظاهری منجر گردید هر يك باسم آشکارا و بافتخار یکی خود را شیعی و دیگری سنی نامید -

تا وقتیکه پادشاه شام بنای قتل و غارت پیروان داماد (محمد - صلعم) را گذارده نام ویرا بدشام و زشق یاد کرد - و هزار ماه این دشام را در منار و مساحد مسلمین در حق داماد (محمد - صلعم) روا داشتند - این عمل عداوت را بین شیعه و سنی زیاد نمود - تا اینکه طایفه شیعه نیز تنهر از بزرگان آنها را عمل يك شهردید - با اینکه چون حکومت و اقتدار تمامه حز در ایام قایله یعنی همان ایام خلافت (علی ابن اسطالب عم) همراهی با فرقه شیعه نکرد قوت و اقتدار آنان چندان نبود مانند حراد منتشر بودند - و علاوه بر خوف جان خود را آشکارا نمیگردید تا وقتیکه نبیره محمد (حسین عم) را بحکم پسر پادشاه شام (برید) ابن (معاویه) با احساس در حوالی کوفه بقتل رسانیدند - این مسئله خیلی کسب اهمیت نمود - و تا همین داماد محمد را بر آشته ساخت و قوی نمود و مستعد بیگار کرد و حکمرا نمودند و خونها ریختند و مانعها کردند - تا کار بجائی کشید که این فرقه مراداری نبیره پیغمبر (حسین عم) را حز و ایمان و مذهب قرار دادند - از آن راهی که این فرقه بزرگان دین خود را بعد از پیغمبر دوارده نهر از اولاد (علی و فاطمه عم) میدانند و قول و فعل هر يك از آنها را در هر مرتبه قول خدا و رسول و تالی قرآن میشمارند و اثمه آنان باین فرقه را تأیید در مصیبت داری (حسین) کردند رفته رفته یکی از ارکان مذهب شده ، که رکن اعظم آن مذهب قرار یافت

در قرون اولیه اسلام این فرقه چندان طامع نبودند - قات این طایفه را بدو سبب میتوان تسام نمود - یکی آنکه از بدو اسلام ریاست و حکومت که بالإصلاح مودت نشو و نمای پیروان يك مذهب میتواند شد بدست فرقه ثانی بود - دیگر قتل و غارتی که در هر موقع و مورد از این طایفه شده است - این دو فرقه

در اوائل قرن دوم اسلام یکی از اطمینان شایسته محققان  
حفظ نفوس و اموال تابعین خود - باستوار مذهب  
شیعه - حکم نمود. تقی این فرقه را قوی ساخت چون  
آشکارا نبودند - مخالفین قوی عداوتشان دست نجات و  
عزت آنها می یافتند - و در برده مجالس مأم فرام  
آورده در مجالس حسین میگریستند - این اثر قدری  
در قلوب راسخ شد که دبری نگذشت این طایفه اوسخ  
گرفته رقی کردند و چند هزار و چندین هزار  
پادشاهان و حاکمان بزمین طریقی اوصی در تقیه و برخی  
آشکارا گردیدند

از بعد (امیر تیمور گورکانی) که ساطت ایران  
اندک اندک محسوسان سهویه رجوع کرد فرقه شیعه را  
سرکز ایران قرار گرفت بموجب تمهیدیکه برخی ارسا حین  
فرایسه عمده اند روی هم رفته از شش و هفت هزار  
مسلمانان یکفرشیعه میباشد از ترقی که این طایفه بدون  
هیچ اقدام جدی در قلیل زمان کرده اند میتوان گفت  
که در یکی دو قرن دیگر از روی عدد غایب بر اثر فرق  
مسلمانان خواهند نمود - و غالب همین تعریه داری است  
که فرد فرد این فرقه را (دشمنی داعی) مذهب خود  
ساخته است - امروز هیچ نقطه از نقاط عالم نیست  
که دو نفر شعله باشد و اقامه عزای (حسین - عم)  
به نماید و بدل مال و مال نکند

در سمر (مارسل) تکفیر عرب شیعی بجزی را  
دیدم که در (هوتل مهان خانه) بک و آنها مجالس عزای  
آراسته کتاب گرفته رکزی نشسته چیزی میخواند و  
گریه میکرد و سپس تهیه مجالس را که در آن کول و  
منسوب دیده بود همراه تقسیم نمود  
این طایفه در این راه دو قسم بدل مال و مال  
میباشند - برخی هستند که همه ساله از اموال خود قدری  
استطاعت خویش در این راه صرف میکنند - و این  
سالی اراهیونها فرنگ میگذرد - و دیگر و قبیله است  
که این فرقه فقط و فقط برای اقامه مجالس مأم گذارده اند  
و این مبلغ خلیل میکنند - میتوان گفت که جمیع

قرن مسلمانان روی هم رفته از اموال خود قدری  
و مال در راه مذهب خویش خرج میکنند - و سوختند  
این فرقه دو گروه و سه گروه است نسبت به جمیع موقوفات  
سائر فرق را علاوه بر این فرقه بلا استثناء بسمت  
گری (مطلبی) مذهب خود را مقرر کرده و این نکته برای  
جمیع مسلمانان پوشیده است حتی شیعیان خود هم تصور  
این فایده را از عمل خویش ندارند بحدود آنکه لاجرم  
اخروی است - ولی چون هر یک از این طایفه باید از  
خود را از روی طبیعت به چشمد این فعلی خبر ثمرات  
خود را برای شیعیان میدهند -

مسلم است مدعی صحیح دارای چهار شصت میلیون  
(دشمنی) باشد لاجمال تریه نیک سلطان این جماعت است  
رفته رفته خواهد نمود - بحق بر رؤسای و روحانی و  
پادشاهان و وررای این فرقه نیز از صلت (دشمنی گری)  
خارج نمانند - فقرا و صغفاء این فرقه چون این  
مهر فولند کنی حاصل نموده و میباید پیش از بزرگان  
اقدام بدر نگامداری اقامه مأم میکنند - چه نهاییست  
آخرت و آخرت دنیای خود را در این عمل بدیده اند -  
این است که جمعیت زیادی از دانایان این فرقه سائر  
اشغال معاشیه را کنار نهاده بدین عمل مشغول اند  
و رحمت میکنند که ذکر مسائل بزرگان دین خود را و  
مصائبی که بدین خانواده رسیده به بیکو ترین و جوی پیوسته  
قرار نتواند در سرمایه و مجالس عامه روحانی بخوانند  
این مشق صحیح این جماعت در این زمین اعتبار نموده  
مهر دین ایران بزرگ جمع طوائف انقلابی پیش است  
چون بکار نک مطاب مورد اشتیاق قلوب و مردم  
تایر است - این جماعت فحشها کشیده نام مسائل اسلامی که  
راجع بیدعت آنهاست در زمین بیچاره و در سر منسلب  
ذکر مینمایند سخاگر بجهان بر میسر است در زمان این شیعه  
از رجال خوانده و فهمیده فرقه دیگر اسلام از مسائل  
مذهب خود بسکه اردانایان خویش پیوسته دانایانند  
کس و حرفه را فرقه شیعه بدین ذریعه و ذرایع دیگر  
طیقه نتیجه این ذریعه است پیش از سائر مسلمانان

تعمیرات و اصلاحات و در هر دو جهت اصلاحات ملاحظه فرموده  
 شد. همچنین در امور فقهی و علمیه نیز به اصلاحات و بهر طرف  
 توجه و صرفه و صرفه نمودن در فرقه شیعه در وجه خودی عام  
 در آستانه (معمولی سگری) این فرقه در این مذهب خود را  
 در قوسهای فرقه اسلامی محدود زیست - بلکه در هر فرقه  
 بهر مذهب آحاد این طایفه قدمی گذارند جان اثر و  
 مسخر است یا بهر قلوب آن ملت خواهد کرد - عده  
 و کثیری که اصول اند شیعیان در عهد دیده میشوند  
 از این اقامه حاتم است -

فرقه شیعه در دو زمان ملاحظه میشود. مذهب  
 ما خود را بجزو و شمشیر ترقی ندانند - بقول کلام که اثرش  
 بیشتر از شمشیر است این طایفه باید درجه ترقی غیر القول  
 را نمودند. ما روید باید از این فرقه در ادای مراسم  
 مذهبی خود ترقی کردند که دو ثلث مسلمانان را ببرد  
 - حرکت خود کرده هر غنهی از خود و پاری  
 و سایر مذهب نیز شریک اعمال آنها گردیده اند - و  
 این امر آشکار است که پس از بعضی ترقی که این حیالات  
 بطریق ارت با لایوهای آن طوائف بودیت برده شود  
 مسلم میبایند و یا مصدق آن مذهب میشوند - چون  
 فرقه شیعه تمام مطالب خود را وابسته به بزرگان  
 مذهب خود میدانند و در شهادت و حوائج خود دیده  
 از آنها می طلبند. فرق دیگر نیز که شریک افعال  
 و اعمال ایشان میشوند بسیاری بهایا تاسی جسته  
 همین که اندوی طبیعت آرزوی خود را یافتند اعتقاد  
 در ایشان بیشتر راسخ میگردد ازین قرائن و اسبابها میتوان  
 دانست در آنکه در زمانی قابل نگذرد مگر این فرقه من  
 حیث العمود فوق بر جمیع فرق اسلامی حاصل نمایند  
 تا یکی در قرین گذشته سوای ایران غالب این فرقه  
 بواسطه قلت عدده و عدم قدرت در مذهب خود ترقیه  
 نمیکرند - از زمانیکه دول مغرب زمین در حالک  
 شرقی استیلا یافته و جمیع مذاهب را آزادی بخشیده اند  
 این فرقه در میان مردم هر قطعه به مراسم مذهبی خود  
 اقدام می نمایند و آنرا در حق ایشان درجه ترقی

در مواقع دیده که باهم تفرقه از مذهب شیعه می فرج گردید -  
 عنایت استیلائی که در این فرقه به مقتضیات عصر  
 پیش ازین فرقه اسلامی واقف شده در کسب بهایش  
 این تحصیل علوم زیاد و بر دیگران اقدام دارند - ازین رو  
 در مردگان گذارن که کسب بهایش را بکدامین نمایند بیش  
 از سایر فرق اسلام در آنها موجود است - چون غالب  
 دو کار اند بهلازمین و بنام آنها طبعاً تابع آنها میشوند -  
 علاوه بواسطه کار محتاج عاید واقع میگردد دوستی و  
 معاشرت ایشان با سایر فرق لازم و ملزوم اختلاف دیگران  
 با آنها در شرکت مجالس و محافل آن است - و همین که  
 معاشرین آنها بار بار اصول مذهب و کلمات و سخنان آنها  
 را اصفا نمودند لاجمله بمشرب آنان آشنا میگردد و عمل  
 (مشرقی) همین است و اثری که بر این وضع مترتب میباشد  
 اثری هست که جمیع دانایان دول مغرب در ترقی دین مسیح  
 به اهداف متعبر القول اختیار نموده اند

از جمله امور سیاسی که بزرگان فرقه شیعه از چند قرن  
 باین طرف لباس مذهبی پوشانیده و خلی مورث حجاب  
 قلوب خودی و بیگانه گردیده همانا اخذ اصول (تباتور)  
 است - باسم شیعه و تعزیه در حاتم (حسین - عم)  
 (تباتور) را بدو جای هندوستان به اضراض چند  
 که از موضوع بحث ما خارج است جز و عبادات خود  
 فرار داده - سپس اروپائیان بمقتضای سیاست لباس تماشای  
 بر او پوشانده در تماشای گاههای عمومی امور مهمه سیاه به  
 رد برای حجاب قلوب - در انظار عام و خاص جلوه  
 میدهند - و اندک اندک بیک تیر و دو نشان شد هم تفریح  
 طبایع و هم حجاب قلوب عامه در امور سیاسی - فرقه شیعه از  
 این نکته گاه آفایده حاصل کرده لباس مذهبی بدو پوشانده  
 اند - چنان استنباط می شود فرقه شیعه این عمل را از طایفه  
 هندو اقتضا نموده اند - در هر صورت اثری که باید  
 در تعزیه و شیعه به قلوب عام و خاص عاید شود  
 شده - واضح است که از یک طرف در مجالس روضه خوانیهای  
 متواتره و در منابر و مجالس ذکر بهائی که بر بزرگان  
 دینشان وارد شده و در مناسبت (حسین - عم)

وارد آمده و با آن همه احادیث معوقه که در کوفه  
 بر مصائب آل یسیر ذکر می نمایند شبیه آن مصائب را  
 نیز در اطوار حلوه دادن حیل اثر می بخشد و زیاده  
 بر آنچه به تصور آید عام و خاص این فرقه را راسخ  
 العقیده میگرداند - و همین نکات باریک سبب شده  
 است که از آثار ترقی مذهب شیعه شبیهه نشده است که  
 حتی یا حسامتی از آنان ترك دين اسلام را گفته یا  
 سائر فرق اسلامیه نگروند

این فرقه شبیه را باقسام مختلفه در می آورد گاهی  
 در محاسن مخصوص و معاصی معینه - چون در بنگونه  
 محاسن و مقامهای مخصوصه از فرق دیگر کمتر شرکت  
 می نمودند وضع بی اتوری خاص ایجاد نموده شبیه در  
 آورده در کوجه و بار بار و در میان جمیع فرق دیگر داند  
 و بدین سبب آن گویا اثری که باید و شاید و از تیاور  
 و تماشای در کار است در قلوب هر فرقه از خودی و  
 بیگانه می بخشد و رفته رفته این عمل شبیه بقدری موثر  
 بوده عام و خاص گردیده که بعضی فرق دیگر اسلام و  
 روحی از خود بی تهاید ارضی میان کرده به نقل شبیه با آنان  
 همراهی می نمایند از حیم ممالک اسلامیه در هندوستان  
 عمل شبیه بیشتر مروج و فرق دیگر اسلام زیاده شرکت  
 در این عمل با آنان میباید - گویا اصول تیاور و عمل  
 شبیه را در فرقه شیعه از روی سیاست سلاطین صهویه که  
 اول سلسله بودند و بهوت مذهب سلطنت را بیچنگ  
 آورده فوت دزدید رؤسای روحانی شیعه نیز اندک  
 اندک تأیید کردند و عمار دانستند

از جمله اموری که اسباب ترقی و شهرت این فرقه  
 در هر جا شده همانا خود باقی است بدین معنی که این  
 طایفه بواسطه محاسن عام و شبیه و سببه ردن و  
 گفتن و علم گردیدن حلق قلوب دیگر فرق را بحقیقت  
 و وجود و فوت و شوکت خود میباید - چه مسلماً  
 هر جمعیت و جماعت حلق اطوار و نحوه خاطرها  
 را بجانب خود تا اندازه میباید - ده هزار نفر اگر  
 در شهری فریب خورد باشند و هزار نفر در پنجاه

جمع گردند آن هزار نفر شوکت و تماشای در اطوار  
 خاص و عام از آن ده هزار نفر پیش میگذرد - گذشته  
 بر این هرگاه هزار نفر خود باشند هزار نفر هم از  
 خارجه بعضی برای تماشای و برخی بملاحظه دوستی و آشنائی  
 و گروهی برای انجام کارهای لازمه خود شامل آنها  
 شده در اطوار قوت و شوکت آنها را دو گونه مینماید  
 این است که در هر نقطه ولو جماعتی قلیل از شبیه  
 باشد از خود باقی در اطوار جمعیتشان دو گونه و  
 شوکت و قوتشان ده گونه جلوه مینماید و بیشتر سبب  
 علم شدن و ترقی این قوم همین نکته است

من جمله امور طبیعی که مؤید فرقه شیعه در تأثیر  
 بقلوب فرق دیگر شده - همانا جلوه مظلومیتی است که  
 این قوم نسبت به بزرگان دین خود میدهند - این  
 مسئله از امور طبیعی است که هر کس طباعاً طرف دار  
 مظلوم و محله ضعیف را بر قوی خواهد است -  
 ضعیف و مظلوم ولو بناحق باشد از قوی و طالبیکه  
 بحق باشد طبایع بشریه بدو رافع تر است خاصه در  
 صورتیکه دور یا زمانی بر او گذشته باشد

مصنفین اروپا که شرح قتال و جدال و گفته شدن  
 حسین و اصحابش (علیه السلام) را نوشته اند با اینکه  
 هیچگونه عقیده یا آنها ندارند با درجه ظلم و تعدی و بی رحمی  
 قاتلان آنها را تسلیم کرده مشتملانه نام قاتلین آنها را می آورند -  
 و این امور طبیعی است که هیچ چیزش نمیتواند جلوگیری  
 نمود - این نکته مؤید طبیعی فرقه شیعه شده است

از جمله امور دیگر اصلاح فرقه شیعه و توقیفات  
 مقتضیه این فرقه را جراح راه و هادی سبیل میباشد -  
 همانا مسئله اجتهاد است - من درست نمیتوانم معنی و  
 حقیقت اجتهاد را قسمی که عقیده شیعه بر آن است  
 درین صفحه بیان بجام - همینقدر میتوانم گفت که اجتهاد  
 اجماع را از کهنگی و اندراس ناز داشته و خواهد داشت -  
 اگرچه تا کنون مجتهدین این فرقه کمتر از فواید سیاسی  
 اجتهاد بهره مند شده اند - ولی دانشمندان همه قائل  
 اند که به برکت اجتهاد اصول مذهب شیعه بویافته انحصاری

سیاست گذارند عمدتاً بر این اقوام و ملیت روحانیت خود را پایه صلاح و رستگاری باین تصور می نمایند در ترقی آنها اجتهاد حکم کبریت احمر را دارد - اجتهاد تقاضای مذهبی را دور و باقتضای وقت پیشرفت کرده مذهب را از اندرانی و کهنگی که لازمه مرور زمان است ناگزیر دارد - اجتهاد در مقامات سیاسیة جمیع افراد ملت را بدولت متحد میسازد - اجتهاد هر وقت موقع را مناسب بیند احکام مذهب را لباس سیاسی می پوشاند - اجتهاد نمیگذارد نظر مقتضای وقت نفسی در مذهب پیدا شود - فرقه شیعه بقدری اجتهاد را اهمیت داده که از ارکان بزرگ دین آنها قرار یافته - هرگاه میانه مجتهدین و سلطنت شیعه اختلافی پیش بیاید و متحدان از روی بصیرت در ترقی دولت و ملت خود سعی نمایند اهم بر اینکه از همه گونه آفات انقراض محفوظ میمانند بهر درجه ترقیات که در خور مقام آنان باشد میتوانند نائل گردید - مشروط بر اینکه طرفین با دانش و مال اندیشی و خیرخواهی نوع حرکت نمایند

از جمله مسائل سیاسیة بسیار اهم که هماره مورد امیدواری و رستگاری فرقه شیعه تواند گردید همانا اعتقاد بوجود حجت عصر و انتظار ظهور اوست چه این فرقه را عنیده بر این است که شب چون اسبان در استراحت رود بدین امید باید بجاورد که صبح چون از خواب برخیزد حجت عصر ظهور کرده در تأیید او دستعد باشد - و چنان عهدت دارد که جمیع دول و ملل روی زمین تابع و ریز فرمان آنها خواهند آمد - گویا مرد فرد شیعه بدون استثناء از شاه و گدا زن و مرد شک در ستر میروند نامید ترقی و عالم گیری مذهب و اقتدار خود صبح از خواب بر میخیزند - و مجتهدین را نواب حجت عصر میدانند - برداشته اند سیاست روش نیست که چون این عقیدت در فرد فرد مای سترک سمت اشاعت یافته رسوخیت نامه حاصل نماید لا محاله سعوزی اسباب طبیعی برای آمان فراهم خواهد آمد - پاس و حرمان مورت همه گونه نیکبختی ذات است و

ضد آن پخت گیری و امیدواری و قوت قلب از روی اعتقاد که در حکم طبیعی است پایه صلاح و نجات میگردد چون اعتقادات مذهب در اقوام مشرق زمین تا دو صد سال دیگر کاملاً اثرات خود را خواهد بخشید میتوان گفت درین مدت باین همه جمعیت اسباب طبیعی و این گونه لوام ترقی "عارضی فرقه شیعه ترقیات غیر العقول خواهد نمود - و من حیث العدد و قوت و قدرت اول فرقه خواهد شد - و پس از آنکه اثر از اعتقادات مذهب بر برداشته شود این ملت دارای آن سرمایه خواهند بود که ما و رای قوای طبیعی و طاریه مذهب شوکت و اقتدار و قوت و ساطت خود را در عالم نگاهدارد

مکتوب یکی از مبصرین

ویدا اسلام - دام نایبکم - پس از طی مراسم دعا گونی عرض میشود - در نمرهای سابقه نامه مقدس مکتوبی چند دیده شده اگرچه واقعات را نوشته انکی چون درست تحقیق نکرده اندکی اشتباه واقع گردیده در ضمن هم بدون فرض توهم حصرات علای اعلام و حج اسلام - مطالعهم العالیه شده - مثل مکتوب ترك سرگردان و ناسخ حکم ارتداد و غیره لازم دانستم بعضی از اطلاعات خود را اهلاً بشکارم تا رفع خدشه از بزرگان دین و نواب حضرت حاتم الذین صلیم گردد اولاً باید دانست که عتبات عالیات امروزه بسا و ماجاً تمام شیعیان عالم است از عالم و حامل و غنی و فقیر و مابد و راهد و فاسق و فاجر

( هر کس ایما هوای موسی می آید )

گروهی محض ارتقای مدارج عالیة اخرویه و نوسل بمحضرات ائمه اطهار که سن نجات امتند دست از اهل و عیال و اولاد و وطن و اطارت و ریاست و بزرگی و - سار حوشیهای دیوی برداشته بپناه مان آستانهای ملك باسان آورده بعبادت و بندگی حضرت آمریدگار اشتغال و حتر تحصیل رضای پروردگار قصدی ندادند نام همگان در هانبر خود است از درکات و مهالك اینها را کسیانند که با هیچ کس کار ندادند و از

همه پر گبارند (پلویم پلم و حسین جاب) ...  
 جماعتی از خود گذشته و یار خود را بمنزل رسانیدم  
 باو امت را برگردن من. خود نهباده تمام همشان  
 هدایت و راه بازی و ارشاد امت میجویه است تا  
 گمراهان بادیة صلاب را بشاهراه وادی هدایت ارشاد  
 فروده از طریق ملاکت و هجرت میخرفد - بصراط  
 مستقیم محات دلالت بر منزل عبادت خدایا بنیاسی  
 برساند - گذشته از انظام امور دین امت هرگاه دلیله  
 و بایه روی عموم اسلام آرد با کمال جهد و کوشش  
 باصلاح آن برداشته چه آنچه کرارا شهود شده که در  
 مهیات و شهادت امور اهدام فرموده حسب دلخواه انجام  
 داده اند (اؤتیک علیهم صلوات من رهم و رحمة)  
 فرقة محسن دیدنای و احلاص هواخواه رسالت  
 علیه السلام روی آن اراضی هیدسه آورده مشغول  
 نگار و کس خود هستند صماً هم اردبارت وعنه موسی  
 اهل بیت طاهرین صلی الله علیه کس مشوات همبایند  
 معشری هستند که محض راه زنی و دردی و مردم  
 لحظت کردن و خون بچاره گان را نوشیدن اطراف  
 قباب مطهرة عترة طاهرة نبویه صام محاصره نموده هر  
 کس شمشیری از شمشیرهای ملامت و بزه از نینهای  
 شیطانت بر اهدان منوره آن هررگواران صدمه و ادبیت  
 میرساند و آن شیعیان آل ابی سمیان و جودی مروان  
 بچند شعبه مشعبه نخست رؤساء و نزرگان که همقطاران  
 بدر سمیه و مرجانه اند. این گروه هم رنگهای مختلفه  
 حلوه میکند یکی بصورت اهل علم و تقوی اعسا و  
 عصا و عمامه و تحت الخنک و ریش دور ناکال  
 سکیه و وقار پوسته در مجالس درس حصرات علمای  
 اعلام حاضر و اعاب اوقات مثل کعبوتر حرم در  
 روضات مقدسه ربا و سالوس و زهد فروشی و عوام  
 فریب مشغول مردمان ساده لوح بچساره که تمامی اهل  
 عتبات را فرشته می پندارند چاره حز ایستکه بدام  
 فریب و ترور آن بیدینان گرفتار شوند نذارند ایشان  
 این کسانند که در چشمان صادق می آید

...  
 روی یکی اند کل حاریران آلتی که بگو برانند پس کرده و  
 اورا نام یکی انه آقایی و تصامیر حج اسلام میسی  
 مورد هجاعتی بطرف ایشان در دستم بود سیدنی و بیچاره پوریدن  
 و استغناء نمودن و سایر جنور میزدند و شوجس زابر  
 تاره وار در صام و لوح دل خفته با آقای مصومی حاضر  
 میکنند چاره بکمال نمیکند چه کس را نینبند گوید است که  
 وقتله و پندشوی اوست آنچه اند و بچوه بره و مانند حسن  
 همد که کوفه و بیسم امام علیه السلام و صوم و صلوة و  
 تدویات دارم را بکمال امتنان تسلیم آقای مصومی کرده  
 و باعتقاد خود بنامد امام علیه السلام داده و بری الذمه  
 گردیده است پس از آن اگر از جهاد یکی ملتفت شود  
 و از فریبی بکسکه باو داده اند با خبر شود هرچه بدرد  
 فریبه و احتیاطه نماید اثر و بهمانی او آقای مصومی  
 خواهد یافت بی

(گر تضرع کنی بگو فریاد)  
 (مرد در باز پس نخواهد داد)

سابقاً ملا ... عهد تراش بود بعد از اوصاف پیدا  
 تده که همین پیشه مشغولند  
 طایفه دیگر بچهارا بانها رسانیده و با کمال پیشروی  
 حراب را تصرف کرده با چند نفر دردان و راهزنان  
 همدست فاش و علایقه بچله امامت و اجتهاد روز  
 روشن مردم بچاره خالی الدن را برده و لحت میکنند  
 این در اصطلاح اهل دانش بدرد شریعت مشهورند  
 فرقة اطراف علمای اعلام و حجج اسلام را دایره وار  
 احاطه کرده باطهار و رع و تقوی مانند مقدسین نهران  
 بجل و توفی و اطیبسان آقاییان عظام شده واسطه  
 امور میشود - و بجهت و توفی بکسکه حضرات علما را  
 بایشانست مایه هزارها خرابی گردیده بعضی حقوق را  
 ناطل و ناحق و بالعکس چه حلالیتها که حرام و  
 چه حانها که حراب و چه وقفها بکسکه ملک و املاک  
 که عصب و چه قدر اموال اولاد و ایتام که تلف  
 کرده و صاحبان آن بقتل و بریشانی مبتلار و با

شهادت نهایی روز و گواهیهای باطل داده است که خلاف  
شرع اظهار صادر نمیکنند. معصوم را چه و نیاز است  
آنها بجز در بارگاه بیگانه بمانند، برای دم زدن  
ندارند. چرا که هر دو ایضا کشتن است. نگذارند. قوی  
اسباب فراهم آورده یکی را درمی و چند نفر را شاهد  
قرار داده ادعاهای باطل در آن اجازه و اذیت هزار ملامت  
مبتلاش میباید. حضرت علای املاهم مدظلالهم علی  
رؤس الامم هم از شراب و ضایر ایشان بجز و محکم  
ظاهر با آنها رفتار میفرماید. هر این حالت کجا قصوری  
بر حقیق اعلام ندارد می آید. زیرا که در شرع معصوم  
بظاهر حکم باید کرد. باطل نخر که کسی را گویای عظام  
ایراد نماید. باید از صدر اسلام تا حاله ابرار باید چرا  
که حضرت مقدس نبوی صلعم آنکه در ماکان و مایکون  
حاکم بود ظاهر و قواعد مقرر در شرع اور حکم  
میفرمود نه به باطل

جاعتی راه دیگر پیش گرفته یعنی طریق درویشی  
و تصوف اختیار کرده نام ترک دنیا و وصول بد درجات  
عالیه قرب حضرت یزدان فریب دادن مردمان ساده  
لوح مغفول و خود را چون طاوس عاییین بهزار رنگ  
حیوه داده با وجود آن پیرانک میتوانند یکی مرشد  
میشود. چند نفر مرید و سالک از هر گوشه و کسار  
عوام را اغوا کرده بخدمت مرشد آورده مال و دین  
و ایمانش را از او گرفته ایمان خود و مرشد. گاه ایشان  
قسمت کرده درین طریق امور معاش را میگذرانند این  
عملی بود از احوال بدساز و جز این اقسام دیگر  
دزدی و شیطنت بسیار است که اگر یک کتاب  
بزرگ در شرح آن نگاشته شود احصاء نمیشود  
اگر در خصوص جعل سازی دستخط و امهار  
حضرات علای اعلام که ثبت نمیشود داده اند که بتوسط  
آنها در وقت لازم کردن اسنادات و استنادهای آنجه  
و سابقا بخوانند بهتر بترسانند (حاشا و کلان حفا  
بهتان عظیم منکر کجاست نیست لایق کلمه است و مستفاد  
و غیره ترا چون خوانند و وقت مراد از خود را

بدست املاقی خلق اوثق ثقات نمیدهند. بی امهار و  
تو خطی من جموله در حالت و محبت دیگر است که اصل  
بجز آنکه آنرا بدهد و آن ایضا بکسی میدهند صورت  
دستخط و دستخط هر کسی را بسیار بدون کلمه و نام  
به نحویکه ادا فرق نمیتوان کرد. حق اگر بانگال وقف  
با دره بین بینه بحال است نیز دادن مابین اصل و حق  
از آن محله است. است حکم خط و مهر هیچ علما و  
اعیان و ابرکان و رؤساء عراق را از زمان مرحوم  
بحر العلوم الی زمانها دعوی بسیاری که صاحبان آن  
نمیتوانند فرق گذاشتن و سر خودشان مشتبه میشود و  
این اشخاص کارشان همین و معاششان از این بمر میگذرد  
چنانچه از برای بسیاری از املاک قابلهای جعلی و وضع  
سجلات و امهار علای امام و اعیان و رؤساء  
ماضیه بظلم دیگران ساخته و همین حیل و پرورار  
تصرف مالکان اصلی بیرون کرده نصیب نموده اند که  
اگر بخواهیم اساسی آنها را تفصیل میتوانیم نوشت ولی  
(مصالح نیست که از پرده روی افند برار)  
هر ص است که چون وقایع نگاران از اصل مطالب بجزرد  
وقایع را که موافق میبوسند و قصوری هم ندارند و  
بجرات قسم میخورم که اصل مهر علای اعلام هر گز  
بی اطلاعشان بر هیچ کس در محوامد ثبت نشد و تا تصور  
استنفاء یا خط و عبره را با دقت تام ملاحظه فرمایند  
مهر و دستخط میفرمایند و مهر خود را هر یکس حق  
اوثق نقلت و اعدل عدول نخواهد داد این گمان در  
حق ایشان خطاست چگونه ممکن است خط و مهری  
که سایه انقلاب مطلق میتواند شد بدست دیگری دهد با  
آنکه از اوصاف زمان و اطوار عمل جهان حق امدی  
الاد ابرار و توران اطلاع کامل ندارند و هیچ امری  
بر ایشان محسوس نیست. به اینکه از جعل ساراں دظار  
بجز باشند بلکه کاهو حقه از بگردار و رفتارشان  
مطالعند ولی چون قوه دفع و دفع و کلیم آنها را ندارد  
از گفتارها فریب میدهند و بکارهای آنها میرمایند چه از  
حضرت مقدس نبوی صلعم با ما بقتان بفرموده اولی آن



برگوار هم رفتار نمایند و بگفتن (اللهم اهد قومی  
 قایم لا یطمعون) رطب اللسان اند زیاده عرضی نیست  
 (محمد صادق الحارثی)

مکتوبیکی از غیرتمندان

مدین مزده گر جان فشانم رواست

مارخدایا کردگارا کریم مررمانا ندم نوازا چون این  
 مشت جاک ناچیز از عهده شکر و سپاس اندکی از لهای  
 بی منتهایت فضلا از نامی آلات بر آمدن نتواند همان  
 که سحر و قصور معترف از باوه سرائی و هرزه  
 درانی مار آید - و اطهار شیرین بیانی و خوش زبانی  
 نماید و این دست شیخرا ما زبان عجز سراید

از دست و رماز که بر آید

کر عهده شکرش بدر آید

از مزده و نشارت طلوع مهر تابان تمدن و ترقی

بی نامه معدسه حل المین که اسم با معنی

صروه و تقای کیش و ملت و دین است

هر ترقی ملک حل متین است

بس از صروب و خفا از وطن گرامی محبوب یعنی

ایران مردوس ایشان صانها الله تعالی عن طوارق الحدنان  
 فرح و نشاط و سرور اندامی روی داد که گویا جمیع  
 ابواب مسرت و شادمانی بر دل دردمند و قلب مستمند

گشوده عمهای دیرین را فراموش نموده - نه باین حبه

آر که دایره آن معدس و وسعت و انتشارش که از چندی

محدود نده عمر محدود گردید بلکه بسبب آنکه چون

تأسیس و انداع آن گرامی نامه نامی محض راهنای و

خیر خواهی و ارشاد و تأیید و تسدید و تشدید اسلام

و مسلمین عامه و دولت و ملت ایران خاصه شده و

همواره بوظیفه خود عمل کرده تا آواز (اطعوا لله و

طعبوا لرسول و اولی الامر منکم) را دران مؤمنین را

ناطع خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام و

فرماندای نواب ایشان و سلاطین باطن و نمکین اسلام

امر می نمود - و آنرا مطلب مخالف مقصد بدخواهان

عین و بدولت بود برسیبند و در کارشان که تخریب

بنیان دین و دولت و تمام آسایش ملت است  
 برداشته ریوا شوند - اسباب عدم دخولش را با بران  
 فراهم آورده و از ورودش بخدمت و وطن طالع گردیدند

لکن بضمون صدق مشعرون (یا و الله الا ان یم نوره و

لو کره المشرکون) چون مات و دولت را نزدیک

ماتراض و اضمحلال رسانیدند این منادی اسلام بندای

(حی علی الفلاح) بلند آواز و بنعمه و اسلاطه نعمه

برداز از گوشه و کنار و راه و پیراه صدای خود را

مگوش بادشاه اسلام بنام و حجاج اسلام و رجال دین دار

دولت خواه رسانیده اغراض طسده خاتین را تبیین و

توضیح و تحقیق و تشریح نموده خفتهگان بستر غفلت

را بیدار و از کید دشمنان دین و دولت خبردار نموده

تاسیل ملارا که از سبیل هم خراب کننده تر بود از

خود گردانیده بمصدق (و مکروا و مسکراة و الله

حیرالما کرین) پیش بندی مکناید آنا ترا نموده اس اساس

حور و عدوان و ظلم و طغیانرا از بیخ و بن بر آورده

راس رئیس شر و فساد و حکمر و عناد را از پا

افکنند - و از حاده ضلالت و گرامی و تقاضای بتأیید

رؤسای روحانی و حسابی روی تافته پای بر صراط

مستقیم انحداد و انصاف گماشتت حالک مسالک نحماته

گردید - اسکنون امیدوار الطاف بینهایت حضرت

آفریدگار آنکه ندای (حی علی خیر العمل) او را که مراد از

احرای قانون شرع شرف و مساوات بین العباد از

قوی و ضعیف و تأسیس مشورخانه و اتام تمام ناامیهایی

محتاج بها است نیز بگوش هوش بند نبوش جمیع افراد

رجال دولت و ملت رسانیده برای صواب و طریق

سداد منج قویم و صراط مستقیم راهنمای دولت را نموده

قاطبه اهل اسلام را را از حنیض ذلت و زنجبک و

بنوائی و عبرت و حیرانی و پریفانی باوج عزت و

دولت و مکنک و رقت و کمرانی و شادمانی رسانیده

بر سبیل حیر و رشاد و فلاح و سداد استوار دلداد و

این نامه نامی هم بوظیفه خود که اقتضای اهل اسلام

بود از این سرور اعلیای بدینجام و ارایه طریق فلاح

و دستگیری و عزت و مکنت و دینداری و دولتخواهی است باقی و بیدار مانده در گفتن کلمه حق بسکوت و قصور راضی نبود نسئل الله الکریم المتعال ان یهب انسا و لجمع اخواننا المؤمنین اذنانا و اعبیه بحق محمد و آله الطاهرین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

### جنگ اقصای شرق

جعی از سیاسیون مغرب را عقیده بر این است که هرگاه جنگ اقصای شرق تا آخر میدان (دول) ماند یعنی از روس و ژاپون تجاوز نکند اینقدرها اهمیت پیدا نخواهد کرد ولی اگر نقشه جنگ تبدیل یافت و از دولتین متنازعین تجاوز نمود انقلاب و اختلاف عظیم در این عالم نمودار خواهد گردید - تا کنون جمیع دول مغرب از دور چشم دوخته به تماشا مشغول اند - در آغاز جنگ چون دولتین امریکا و انگلیس یقین در استعداد جنگی ژاپون تا این درجه نداشتند در برده برای طرفداری ژاپون و مغلوبه شدن جنگ زمزمه و میدانداری می نمودند - و کلیه قصدشان این بود که اگر دولت ژاپون شکست یابد به بهانه جنگ را بزرگ نمایند و روس را بخوف اندازند - اینک که فتح مر ژاپون را شهرت یافته غایت سعی را دارند که محاصره از دولتین متنازعین تجاوز نکند - برخلاف آن روسها برای شرکت فرانسویان در این جنگ تا ابر مختلفه نموده و مینمایند - انگلیس ها که خیلی هوشیار کاراند در این موقع نازک اتحاد فرانسها را از غنایم شمرده تصفیة امور متنازعه دیرینه را با مراعات بسیار لازم شمرده اند اخبارات فرانسه و انگلیس دولتین مشارالیهارا نصیحت کرده التماس مینمایند که مبادا خود را آلوده بچنگ کنند که شرار جنگ دامن جمیع اروپاییان را فرا گیرد چه هرگاه جنگ مغلوبه شود بیشتر ار همه فرانسه و انگلیس دچار خساره خواهند گردید و دولتین متنازعین که اساس جنگ را نهاده در آن صورت در قلع خواهند ماند

اخبارات معتبره آلمان مینویسند که عاقبت الامر دولت پروس که اینک از دور نگهبان است مجبور بشرکت

درین جنگ خواهد گردید - و هرگاه برخلاف ژاپون آلمان شرکت با روس نماید - دولت انگلیس مجبورا در حایه ژاپون بجزگ اقدام خواهد نمود - ولی دولت روس چندان شرکت آلمان را طالب نیست - چه دستگاه مالیه آلمان آن وسعت و قدرت را ندارد صکه تأیید مالی پروس کند - و روس چندان به تأیید قشون محتاج نیست و دولت آلمان را نیز قوای بحری آن قدرها نمیداشد که نتواند در اقصای شرق با ژاپون همسری نماید - دولت فرانسه را انگلیس ها گاو شیرده روس خطاب می نمایند که حصه بزرگ از ثروت فرانس را روس بعنوان قرض روده - در شکست روس با اندازه فرانسه نقصان خواهد دید که از حد احصاء خارج است همان روزی که خبر جنگ به پاریس رسید شیرهای فرانسه روس اضافه از ده ملیون منات تنزل نمود - و همه روزه بائین می آید - و زاید بر آن قیمت سندات دولتی فرانسه تنزل کرد - دولت فرانس فعلاً در عمل جنگ و جگوارگی عاقبت آن کم از دولت روس پریشان بسبب

سفارت فوق العاده که ژاپون با انگلستان و امریکا فرستاده چنان تصور می شود که برای استرس سب - دولت ژاپون امروز محتاج بقرض نیست ولی هرگاه جنگ بطول انجامد لابد بقرض خواهد شد - این است که علاج واقعه را قبل از وقوع نموده تدارک استقراض مینمایند - مسلم است که دولتین امریکا و انگلیس در ادای قرض بژاپون دریغ نخواهند نمود

دولت روس از استقراض حرجی مایوس است چرا که سوای دولت فرانسه هیچ دولت در ایام صلح نیز قرضه هنگفت پروس نمیداد - امروز روز فرانسه نیز بواسطه تنزل قیمت سندات استقراضی روس محال مینماید قرضه جدیدی باو دهد - این است که دولت روس این نکته را دانسته سعی مینماید که بهر تدبیر تواند در داخله خود وجعی حاصل کند - چنانچه وزیر مالیه روس برای مصارف اداره جنگی سیزده ملیون استرلینگ خواسته و بر طلبی که از ایران دارد شیر ساخته میخواهد در بازار صرافان معرض بیچ

آورد - این نجات دال است بر اینکه خزانه روس چندان تاب تحمل مصارف جنگ را در صورتی که بطول انجامد ندارد - و از قرائن مستفاد میشود که این جنگ کم از یکسال و یکسال و نیم خاتمه نه پذیرد اگرچه از آثار چنان مستفاد میشود که جنگ اقصای شرق از روس و ژاپون تجاوز نکند ولی جمیع دول فرنگ از خوف اینکه مبادا قضیه پیش آید که جنگ عمومی را دعوت کند - بخود سازی و خود آرائی مشغول اند - دولت انگلیس درین جنگ فوائد کلی حاصل نموده و خواهد نمود - اولین فائده او پیش قدمی در نیت است با آن همه اعتراضات رسنه که در ماده (نبت) دولت روس بوزارت خارجه انگلیس پیش نموده هرگاه مبتلای بجنگ اقصای شرق نبود یقیناً ساحت نمی نشست - و دولت انگلیس نیز بدین آسانی عرکب مقصود سوار نمیگردید - و نیز در ایران انگلیسان چهار اسبه می تازند که شاید هر قدر از رقیب خود عقب افتاده جلو او فتند در (نبت) انگلیسان کامیاب شده در ایران تا چه اندازه مقاصد وی پیشرفت کند هنوز معلوم نیست

دولت علیه عثمانیه این موقع اهم را برایگان از دست نداده در (مقدونیا) باقदार خود افزوده در اصلاحات لازمه نیز می کوشد - امارت بلغار چون موقع را سخت و خوبتر را نک دید - از خوف آنکه مبادا دولت عثمانی به تأدیب او برخیزد - برانداخته از در یوزش در آمده عهدنامه که عقود و فصولش برای عثمانی نافع و مفید است بسته دولت عثمانی هم بسرکوبی اشرار بلغار و مفسدن مقدونیا حرکت کرده باندک توجیهی رفع جمیع غایلات بلغان خواهد شد - دولت آسترا نیز که در معامله مقدونیا بقوت و پشت گرمی روس خود مانع می نمود - چون وضع را بدین گونه دیده تا درجه سحرکوت را النسب بحال خود یافته است اگر دولت روسی شکست فاجعی در اقصای شرق بیند رسوخ

او کلیه در بلغان دفع خواهد گردید درین ایام امارت افغانستان زیاده بر آنچه حیثیت و مقام او شناخته میشود - در تهیه لشکر و انتظام اردو و مهیات جنگی رآمده - بجه خیال و قصد باشد معلوم نیست - اخبارات انگلیسی درین ماده مقالات بسیار دارند چون غالب تصوراتشان منی بر نومه و مظلومات است ترك نگارشش را اولی و النسب دیدیم

مکتوب نوشهر

جناب مؤیدالاسلام - در قهوه خانه نشسته بود شخصی گفت روزنامه مقدس مجاز بدخول ایران شد برسیدم از کی و کجا شنیدی؟ گفت الان از صحرا آمده رسیدم پای ستونهای سیم تلگراف گوش داده دیدم ازین راه سخن میراند - گفتم ای مرد عزیز حرف زدن سیم دلیل نشود باید شخص نشنود مثل اینکه من با تو سخن میگویم - گفت ایجا مدرسه صدر اصفهان یا قهوه خانه طهران نیست که مقام مباحثه و مجادله باشد ایجا قهوه خانه کاک است قلیان گرمت را بکش قهوه است را بخورد برو عقب کار خود تورا بانهم و فراست چه کار - خیال کردم تا اکنون خبری بهبوده در قهوه خانه کاک شنیده نشده ولو بعد یکسال هم باشد حقیقت آن بروز میکند برخاسته رقم منزل جنسب موقرالذوله که نایب الحکومه و کارگذار است بدین قصد که اگر ایچر حقیقت دارد حاکم ولایت اول خبردار میشود - خاصه این حاکم چند روزه که وجودش برای مردم غنیمت و اینقدر که اهالی در خیال بودند که بعد از حرکت سالار معظم در ایام عاشورا غوغا و شورش و جنگ و نزاعی که شیوه غیر مرضیه اشرا این شهر است و سه سال بود از ترس سالار معظم نمی توانستند نطق بکنند (دست بکاری زنند که غصه دیرینه آنها سر آید) ولی چنان امن و آسوده و بر پیدا این ایام گذشت که بهتر و خوشتر از سابق نمود به جنسب موقرالذوله عرض کردم حالا در قهوه خانه شنیدم روزنامه جبلالذین در اشاعه بایران مجر شده آیا شما خیر دارید گفت من خبری خوشتر از این شنیدم

دولت قانون مساوات و مساوات يك مليار و نیم اعانه جنگ که معاوضت با (۵۵۰) کروور تومان ایران جمع کرده بدولت خود میدهد ای من فدای غیرت چنین قوم بت برسی

در نمره (۲۱) نامه مقدس مکتوب یادگوه بعنوان کتابچه موسوم بدستگاه دیوان درج شد این کتابچه از افکار وقلم فاضل عالی بود که جندی پیش نوشته شده تازگی ندارد. ولی چون سرابا کلام حق و مطالبش از روی عقل و دانش بود تجدیدش حالی از او نشد اینک بنده صورت يك عریضه که (۲۰) سال پیش يك نفر از اهل فضل بحضور شاهنشاه شهید نورالله مرقده عرض نموده بود باداره مقدسه میفرستم. اگر صلاح دانید مقرر فرمائید درنامه مقدس درج نمایند تا معلوم شود که در بازیت دانشمندان وطن به اساس ترقی برده و اگر از آن تاریخ الفسافه بدین مراض شده بود امروز کثر از ژانویان نبودیم این است صورت عریضه

طرح عریضه است

که بخاکهای مبارک شاهنشاه شهید  
نورالله مرقد، سی سال قبل عرض شده بود  
صدق نیت و خلوص عتیدتم را عذر خواه جبارتم  
قرار بدهید

محبه توضیح و بیان این نکته اندک عبارت مطلوب است ولو بادش. مستقل و معروف و مقبول و مدوح همه دول نمی بودی. بی تعلق اعتقاد این بود که بر حسب فهم و هوش و بصیرت و معلومات و تجربیات میان جمیع خلق ایران شخص اول هستی. بنابر این اعتقاد این است اگر آرزو وجود وجدالله صر فرمادهدر نتواند ایران و بران ودولت موروثی را نظم دهد و دردهای مشکل الیابرا درمان نماید و بنیان استحکام این دولت را ترکیب و تشکیل کند. اراحدی این معنی بر نخواهد آمد. و این فرصت و مجال که بر حسب اتفاق برای سرکار اقدس فراهم است ظاهرا در آتیه بدست شاهنشاهزادگان نخواهد رفت

که الآن شخصی آمده گفت جناب (درباریکی) به حکومت بوشهر وارد و الآن دزجهار بریخ نشسته گفتم سبخان الله من باید اول خبر شوم که نایب الحکومه هستند که حکم کی و کی وارد میشود. گفتم نقل نیست حالا آدم فرستاده درجهار برج معلوم میکنیم گفت معلوم میشود فرست تو نیز حکمتر از فراست گونده سخن اول نیست. شرمند شده خدا حافظی کرده بیرون آمده دیدم غوغا و جماعتی نمایان شد با عمارتی و عملجات موت برسیدم تبه خیزست گفتند آقا سید ابوالسالم پیش نماز برادر مرحوم آقا سید مهدی علم الهدی برحمت ایزدی پیوست خبا کردم در این جنجالی رفته و حقیقت امر را بدست آورده باداره نامه مقدس مینویسم

مکتوب یکی از ارباب غیرت

مؤذالاسلاما - خدایت توفیق عطا و بحق بچین آل عبا با آرزوهای مقدست موفق فرماید - حق شما زیاده بر آن است که ملت ایرانیه بتواند از هزاران یکی را بادای تشکر بردازند. و شهاده اگر زبان شکوه گدائی و بگونی (یارب مبادکس را مخدوم بی عنایت) حق داری چه بمقابل اینقدر زحمات کم باشکوه هیچ ثمر تا حال حاصل نگشته. اگرچه حس ملت بیدار گردیده ولی خواب بهتر از این بیداری بود. این همه داد و فریاد درد مندان وطن و آن خادم اسلامیت در این یازده سال تفسیر يك حرف است. و هرکس از هر طرف در هر لباس و سبک و سیاق هرچه میزویسد همه آنها مقدمه يك مطلب و زمینه يك حرف که عبارت از حکم همونی پادشاه که قانون است میباشد

اگر از محسنات امور گویند وگر از سیئات افعال نویسند همه بجهت تشویق ملت است. و برای توجه وزرای دولت و از عاید و تجربه این حرف خارج نشوند برای متنبه ما ایرانیان هانا حال مات و دوات ژاپون کالی است که چه بوزند وچه شدند. پیش از سی سال چه داشتند عزت ژاپونیان و عزت ملت طرازا به اینصورت فرمایشند ملت ژاپون که اکثر ملل بوزند حالا از

هر قدر بجهت ذاتی بر حاکمان و امراض دول مقتدر و  
 همجوار طاهرأ و باطناً مانع و منکر ارتقا و اعلاى دولت  
 ایران خواهد بود. جای احتما نیست که در ایران خاصه  
 از آمد اسلام غالباً ساط دولت بوده باکه اسم و لفظ  
 دولت هم معروف نبود. فقط يك سلطنت مستقل بود  
 که سال آنرا خواندیم و شدیدیم و دیدیم. - بلی گاهی  
 رحمت اتفاق بادشاهان عادل نیک هم داشته ایم که  
 چند دوری به آن واسطه خلق ایران راحت هم  
 کشیدند. - والا معنی سلطنت در ایران غالباً این بوده که  
 اسباب قتل و غارت جمع نموده بجان و جاه اهالی  
 بیفند. - یا اینکه هرگاه فرصت نمایند شاخت و تاز و  
 امر و سب ولایات هم جوار بردازند که نه شرط رعیت  
 پروری و محاکماتاری. نه بطریق فتوحات و تسخیر  
 و توسیع ملک و خیال حیط آن بود  
 معاشرت باین اجداد بمنزل آنوجود اقدس اعلى  
 چندان شایسته نیست. - لاشک در این عهد عمده اسباب  
 ملکداری و ملت یوازی و توسیع حدود و فتوحات از  
 حسن قوانین و قواعد ساله است به نکتزت اسباب قتل  
 و عارت و سلطوت -  
 هر قانون صکه بتصدیق و امضای اقدس هابون  
 رسد مثل هرگ باید بر هرکس مساط باشد و مخالفت  
 آن حق بر شخص اقدس پادشاه نابد حرام باشد -  
 و به به حاصل که خدای نکرده هر عیب که سلطان به  
 بسدد چنان عیب موجب هزار گونه اختلال شود  
 نکه مره اشتباه عمده را از هر هموم جاگران باید  
 بیرون کرد و هر قسم اسب حالی نمود که مقصود از  
 ارتقاء شان و منصب و مأموریت و رجوع خدمت  
 مداخل و توسیع معاش آنها نیست. - بلکه بجهت اطمار  
 اعتماد نگاردانی و قایب آنها میباشد. - صالح لارمه  
 مملکت داری سلطنت است  
 نباید اعتماد هابوزرا ما نرحم و جاوه فقر و پریشانی  
 مخلوط کنند که فرق عظیم در میان است. - فقط اعتماد  
 بپولیسیت کبرا موجب افتخار خود سازند. - مأموریت را

وسيله مداخل ندانسته مایه سرور. فرحت قرار ندهند  
 هزار افسوس که بخت ایران نیاورد که مرحوم نایب  
 السلطنه اقلأ ده سال تاج بوراوت برد که شاه جنت  
 مکان و شاهنشاه جوان بخت بدردهای بیدرمان مصادف  
 نشود و با کمال و هنر سلاطین از خطرات آن هم  
 پریشانی نتوانند از بصاعت خود تمتع بردارند  
 خلاصه خلق ایران از شاهنشاه عادل و رحم دل  
 خود نان و گذران میخواستند  
 تحصیل نان و گذران و وقوف بعمل و ابراز هنر  
 خلق است  
 ابراز هنر با اسباب و افزار است. - اسباب و افزار  
 هم پایه میخواستند. - و هر نوع تقویت از دولت  
 هرگاه یکمشت پول خزانه را برسم سرمایه ب مردم  
 بدهند اولاً حکفایت نمیکند دویم خلل کلی باعتبار  
 اصلی دولت میرساند  
 اسلم شعوق این است بقدر امکان هر قدر رود تر  
 ممکن باشد بهر قسم توانند از خارج تدارک ما بحتاج اهالی  
 ابرازرا به بیند و هنر هم صرف را بقدر استعدادش جلوه  
 دهد و هیچ وجود ما کاره را بی فایده نگذارند. بدون  
 تقویت زراعت و تجارت و ترویج صنایع مانی باقی نخواهد  
 ماند که بر آن بندگان شاهنشاهی و خانواده ایشان معاشرت  
 تواند نمود  
 میخواستند یکمات را بحیب و سلامت حوی نمایند  
 صاحب مکننت و بضاعت آتند. اسباب ابراز هنر و  
 استعدادشرا فراهم آورند امروز اسباب ابراز استعداد  
 اهالی ایران موقوف بهمت و صرفت شاهنشاهی است  
 و این امر ممکن نیست مگر با امتزاج اساس اسلام با  
 علوم فرنگ و این نکته از چنان پادشاه جهان دیده  
 برآید انشاء الله  
 از جهانگیرهای گذشته و از عالم بناهان ایران  
 امروز بجز نام در دور و نزدیک چیزی بنظر نمی آید.  
 دولتیکه مجلس شورای بقاعده ندارد بهجاب هیچگونه  
 اسباب قلده و نمر شایسته نخواهد بود. مثل زمین کم

آب که هر قدر در آن درخت نشاند - و از هر جا تخم مشهور آورده بیفتانند بی حاصل خواهد شد - و سلیقه دلسوزی و هر نوع مراقبت باغبان نیز بهر خواهد رفت چنانچه می بینم از تدابیر و دلسوزیهای سلاطین مقتدره سابقه ایران هیچ گونه تسلی و مایه مفاخرت برای ملت و دولت نماند

القصد خیر سلطنت از تأسیس مجلس شورای و قانون اساسی پیش از خیر و اصلاحات است - بدون اساسهای مزبوره بقای دولت و ملت بطور شایسته بلکه بهیچوجه ممکن نیست و جمیع اهتمام و زحمات درین راه بهدر خواهد رفت

گر نه موش دزد در انبار ماست  
گندم اعمال چهل ساله کجا است  
(باقی دارد)

### پلتیک

لفظ (پلتیک) در تمام السنه اروپا از لاداط شایعه و بهر زبان جاری و کم کم در السنه شرقیه نیز شایع شده است - ولی هنوز معنی حقیقی این لفظ بچیده و ما بر غالب شرقیان خاصه ایرانیان پوشیده میباشد - بارها خواستم این لفظ را برای ایرانیان تشریح نمایم ولی بدون مثال عملی تفهیمش دشوار می نمود - تازه مثال عملی (پلتیکی) که غالب ایرانیان از که آن وقف اند و موضوع بحث شده برای تشریح معنی لفظ (پلتیک) کافی تصور نمودیم

سیر فرمانفرمای هند در سایه فارس و بخاک نیامدنشان در (بوشهر) از مسائلی میباشد که تا درجه بر جمیع اخبار خوانان عالم پوشیده نیست - و ما چگونگی این مسئله را در چند اخبار مختصر و متصل نوشته ایم - بلکه عین پروگرام رسمی دولت را که سدارت انگلیس در طهران تصدیق نموده درج کردیم - و از آن ظاهر شد که جناب علاءالدوله آنچه کرده مطابق دستورالعمل دولت متبوع خود بوده - و در قبول خواهشاتی که بیرون از پروگرام پذیرائی بود معذور بوده است - عدم بحث در این مسئله در شورای انگلستان و سرپوش نهادن بروی آن - تجاوز از پروگرام پذیرائی از آن طرف و عدم قصور علاءالدوله را نیکو می رساند مع ذلک برای پیشرفت معاملات (پلتیکی) و دفع الزام از خود اخبارات انگلیسی بجز در حرکت لاردرزن از لشکرگاه (بوشهر) شهرت دادند که جناب علاءالدوله را

دولت علیه ایران محض اینکه در کشتی برای پذیرائی فرمانفرمای هند نرفته از فرمانفرمای فارس معرول و ناده سال از جمیع خدمات و شئونات دوائی معاف گردید - معنی لفظ (پلتیک) و تشریح آن را این نکته کافی تواند بود که با این اشهار کذبه چند مقصود اهم را از پیش بردند

(۱) تجاوز خود را از پروگرام پذیرائی دولت علیه ایران که زیادتی بدون استحقاق است - دستور داشتند  
(۲) بر عالیان ظاهر نمودند که عظمت و شئونات فرمانفرمای هند در دولت ایران تا این درجه منظور داشته و تا این پایه دوائی حکم خویش را در دربار ایران نمودند (که امدام چنین شخص بزرگی را بیک اشاره از خدمت دولت میتوانیم نمود)

(۳) بدین پیرایه قوت و رسوخ خود را در شیوخ و واحل فارس که تا کنون رعب و هیبت دولت ایران در قلوب شان ساری بود زیاد کردند -

(۴) همین شهرت تا در زمان حکام و نمایندگان ایران را که از حقیقت امر واقف نمیباشند مرعوب ساخته و کارهای بزرگ را از پیش می بردند - تا وقتی که معلوم شود این خبر مقرون بصواب نبوده و حمل محض و محض حمل است بسیاری از کارهای عمده آنها از پیش رفته است - این پلتیک (روتر) و جراید انگلیسی تا درجه اثر خود را بخشیدند - حتی بر غالب ایرانیان هم حقیقت این امر مستور ماند و احدی از نمایندگان دولت نیز بخمال تردید این افواه عالم گیر که سرایا برای دولت علیه منقصدت داشت نیوفتاد

این نکته (پلتیکی) که بکار رفت و کارگر هم شد و تا درجه اثر خود را بخشود جراید انگلیسی را جسور ساخته برای قوت (پلتیک) خود تجدید عهد نموده این عنوان را برآنگ دیگر حلوه دادند - یعنی در تاریخ ۲۴ محرم مخبر (روتر) مجدداً همان مسئله اولیه را از پترزبرگ و تقابیس شهرت داد -

چون رقابت روس و انگلیس ظاهر است خواست تصدیق این خبر از رقب بزرگ که روس است بشود تا پیش از پیش در دایره سرایت کرده عظمت این حرکت را حلوه دهند -

پلتیک در پلتیک این است که دولت علیه ایران جمیع حکام ولایات را در طهران طلب نموده و سلم

است که بسیاری از حکام تبدیل و تغییر خواهند یافت  
لذا موقع را نیکو یافته باز این خبر را تجدید کرده  
تیری بتاری اداختند که اگر در این تغییرات حکومت  
فارس نیز تبدیل شد مقصود برآمده و جمیع پانیکهای  
گذشته و حال تصدیق شده است - و هرگاه علامه الدوله  
حاکم فارس ماند باز هم تا درجه مثل اول مقاصد  
پانیکی خود را از پیش برده اند

تا امروز اروپائیان بسیار از اینگونه پلتیک ها  
بکار ما زده و بواسطه عدم اطلاعان از وضع رمان  
خورده و دم زده ایم - این نیز ممکن است که رقیب  
دولت انگلیس محض پیشرفت مقاصد خود و نفرت و  
انزجار خاطر رجال دولت ایران از دولت مشارالیه این  
سحن کذب را شهرت داده خواسته بامم انگلیسها تمام  
نماید - ولی این تصور خیلی دور از حقیقت میباشد هر  
حال هر کدم تسلیم شود بار مقصود ما که تشریح می  
(پلتیک) میباشد بر آورده است

آفرین بر دانش و سیاست جناب علامه الساعده سنیر  
دولت علیه ایران در دربار انگلستان - که بمجرد ملاحظه  
این تاگراف پلتیکی که بشئون ملت و دولت متبوعه  
مفخمه اش بر می خورد - تاگرافاً از طهران تحقیق امر را  
کرده و رسماً این خبر حضرت بخش را بذریعه (روز)  
و سائر جرائد انگلیسی تردید نموده باطل السحر اثرات  
مضرة پلتیکی آن گردید - هرگاه سائر نمایندگان دوار  
علیه ایران شیوه مرضیه خیرخواهی و وطن پروری و  
دیانت شعاری و هو شیاری را مثل جناب علامه الساعده اختیار  
نمایند - و ملتفت مضار بعض اخبارات شایعه رقبا می شود  
گردند و فوری بطریق باطل السحر تردید حرافات آنها را  
نمایند ازین و بعد (پلتیک) فرنگان چندان بر ط اثر نتواند  
نمود - اعصای اداره جبل المتین ازین جنبش سیاسیانه بیدار  
مغزاه خدمت جناب مستطاب اجل آقای علامه الساعده  
از جانب عموم ملت ایرانیه تشکرات صمیمانه تقدیم می نمایند  
- ایضاً مثل ثانوی -

### در تشریح لفظ پلتیک

روزنامه روزانه (استیمن) در تاریخ ۱۹ اپریل  
در ضمن واقعات (کابل) چنین مینویسد - که امیر جوان  
جوان بخت از علمای افغانستان استفسار نموده

سلوک حکومت با رعایای شیعه خود چگونه باید باشد -  
و در اسلام آزادی و رعایت مراسم مذهبی آنان تا  
چه درجه شایسته است

علمای افغانستان فتوی داده اند که طریقه حقه اسلام  
همانا مذهب سنت و جماعت است - و این فرقه امیر و والا  
جاء را پادشاه اسلام قرار داده - و این طایفه در مواقع  
صعبه پادشاه خود را همه گونه تأیید کرده و خواهند کرد  
لذا در طایفه شیعه ادای مراسم مذهبی و تعزیه  
داری را آنچه مبنی بر بدعت است پادشاه اسلام باید مانع  
آید - بانه بر سائر سلاطین و امراء مقتدره اسلام نیز  
لایم است این طایفه را از اشاعه بدعات از قبیل  
تعزیه داری و غیره مانع آیند - و چون مذهب سنت و  
جماعت افضل بر جمیع مذاهب اسلام و پیروان این  
طریقه حقه نیز اشرف بر پیروان سایر مذاهب اسلامی اند  
و فرقه شیعه کابل که غرضباشند از مردمان مروماتیه  
ایرانند لذا شایسته چنان است که امیر حکم نماید که معابد  
و مساجد و اماکن و عمارتشان محض امتیاز و شناخت  
مذمت (قیب - سه زرع ربع کم) از معابد و مساجد  
و اماکن سنت و جماعت پست تر بنا شود تا پستی و زیر  
دستی آنان محسوس گردد - و در همان فتوی فرقه هنوز  
را در ادای مراسم مذهبی خود و طریقه تعزیه داری  
امام حسین علیه السلام که از طادات دیرینه و از قدیم الامم  
میانه آنها رواج است آزادی بخشیده اند

اخبار مذکور مینویسد که چون فرقه شیعه در  
کابل چندان نیستند و اطارت افغانستان را ازین احکام  
خوف حال در امور (پلتیک) نمیرود البته این حکم را  
در باره آنها روانی خواهند داد و شیعیان نیز بناچار رضا  
داده سر تسلیم خم خواهند نمود

### جبل المتین

چون ما را از خیالات عالیه دانشمندان و مسلک  
مرضیه سیاسیانه و الاحضرت ضیاء الملة والدين امیر حبیب الله  
خان اطلاع کافی است و از میزان سیاست و درجه دانش  
این امیر و والا جاه بیکر واقفیم با ونوق کامل میگوئیم که  
این افواها کاذبه را رقبای اسلام محض بر هم زدن  
اتحاد و اتفاق اسلامیان که مورث قوت و سبب قدرت  
آنها شده و خواهد شد - این سخنان را از جانب يك از  
فرق اسلام بر خلاف فرقه دیگر اشاعت داده تا محفل

آحادیکه از جندیست بین مسامین افکار عالم نمایان است  
 شده بایعت نفرت مسلمانان از یکدیگر گشته باز تفرقه در  
 اسلام اندازند و حنك مراد بجهانند  
 واضح است اگر مسلمانان جبل‌المتین اتحاد را از  
 دست نداده و سراط مستقیم تفاق را کم نکرده بودند -  
 بدین روز سیاه نه نشسته بدین فلاکت دچار نمیگردیدند  
 این نصیحت نیز پوشیده بیست سکه در هر زمان  
 مسلمانان از اختلافات جزئیة فروعیه چشم پوشیده  
 بعروةالوقای اتحاد و اخوت اسلامی جنگ زنند - دیری  
 نخواهد گذشت که مقام ملیح و ثنونات قرون اولیه  
 اسلام را بل زیاده حاصل توانند نمود - چه بحمدالله  
 تاکنون همه گونه اسباب پیش رفت در امور سیاسی و غیر  
 سیاسی برای مسلمین مهیا و موجود است فقط پیچیدن  
 در اختلافات فروعیه مذهب آنان را از ارتقاء مدارج  
 عالیة برقی که شایسته مذهب مقدس آنهاست باز داشته است  
 چگونه تصوری شود که امیر خون نخت افغانستان  
 که مجسمه دانش و سیاست در جمیع مسلمانان شناخته شده  
 از وقاحت و شاعت این حکم مطاع نگردیده از تکبهای  
 سیاسی که این مسئله در عوالم اسلامیت می اندازد بی خبر  
 و بی اطلاع باشند ؟  
 آیا کسی گمان تواند کرد که امیر والاحاه افغانستان  
 از سلوک برادرانه و مسلك برابراه دو شاهنشاه اسلامیان  
 پناه اعنی دو سلطان عظیم الشان ایران و عثمانی ابدالله  
 مطلع باشند - که همه تن در اتحاد و اتفاق اسلامیان سعی  
 و جاهد و به تیشه تدبیر ریشه اختلافات دیرینه را که از  
 جهالت جهال سلف در میان مسلمانان بیخ نموده برکنده  
 و جمیع مسلمانان را به سراط مستقیم اتحاد سوق دهند ؟  
 آیا در حق این امیر دانشمند که سراپا دیانت و سیاست  
 و کپاست و دانش است کسی میتواند گفت که از وضع  
 زمان بی خبر و از مقتضیات وقت بی اطلاع است و نمیدانند  
 که رقبای اسلام در بر انداختن این دین مقدس با همه  
 اختلافات مذهبی و مباینات سیاسی و تباعد بین و تباین این  
 متحد شده و هزاران وسیله اختلاف کله در مسلمانان  
 انداخته در تفاق و تناصر آنها - بر آنان استیلا یافته ملکشان  
 را گرفته دولتشان را معدوم کرده مالشان را برده  
 هر ضحاشانرا بر باد داده - سعی اند که نام مقدس اسلام  
 را نیز از عالم کم نمایند ؟

آیا در چنین موقع نازک ممکن است چنین شخصی  
 بزرگ با دانش و سیاست حکمی بر رقبای خود که بدون  
 ملاحظه مذهب فرزندان مجازی ایشان - بشمار و از  
 ودایع خداوندی اند صادر باید که اسباب اختلاف و  
 نفرت قلبی آنها از یکدیگر گردد این امیر جوان بخت  
 نیکو میداند که اسان را يك عالم دوست گرفتایت نکند  
 و يك دشمن زیاد باشد ؟  
 از جمیع این مراتب هم اگر چشم پوشیم - مگر این  
 امیر روشن ضمیر نمیداند که مسلمانان و اسلام فقط در  
 افغانستان محدود نیست و ممالکی هم هست که شیعیان  
 دارای همه گونه قدرت ، استیلا و ملیونها نفوس  
 برادران سنت و جماعتشان زیر دست واقع شده و  
 مقتدر اند همه گونه تحکم بر آنها روا دارند - چون  
 این احکام متمصاة جاهلانہ در حق هم مذہبان آنها  
 جاری و مشهور گردد در معاوضه بمثل برخاسته سن بالن  
 و الجروح فبصا بمیدان خواهد آمد ؟  
 بحمدالله مرض شقاقوس تفاق که نتیجه جهالت بود  
 اسلامیان اقطار عالم را وداع گفته - و امروز در شرق  
 و غرب مسلمانان سم تقیع شقاق و عاق را چشیده - ثمره  
 اتحاد و اتفاق را چیده - چون شیر و شکر بهم آمیخته  
 و رؤسای روحانی اسلام پیروی از مقاصد دو ولینعت  
 اعظم اسلامیان کرده در رفع اختلافات فروعیه زیر  
 دستان خود همه قسم سعی و جاهداند  
 مفصود از نگارش این عنوان آن است که عامه  
 مسلمانان بدانند که این گونه نگارشات جرائد اجنبیه  
 از حقیقت بیرون و مبنی بر ( بلتیک ) است و رقبا  
 میخواهند با اینگونه بیانات از زبان یکی از فرق اسلامیة  
 اختلاف در جهال مسلمانان انداخته تا نفرت قلبی از هم دیگر  
 حاصل نموده ضمناً خودشان بمربک مقصود سوار شوند -  
 این عناوین کلیه از حقیقت و اصلیت بیرون است و چنین  
 تصورات شیعه قبیحه در حق امیر روشن ضمیر  
 افغانستان که هیولای سیاست و اسلام خواهی و از او این  
 امرای با دانش اسلام سکه بمقتضیات وقت واقف و  
 بمواقف عصر مطلع است از گناهان کبیره بشمار و  
 مبنی بر سوء ظن میباشد - چه توان کرد که قلم در کف  
 رقبا و آنچه میخواهند می نویسند شنونده باید عاقل  
 باشد - رقبا بدین خرافات میخواهند امیر روشن ضمیر



افغانستان که محبوب القلوب عامه اسلامیان واقع شده  
منفور به دشمندان اسلام قرار دهند. مسلمانان راست  
که مجرد استماع اینگونه سخنان لاطائل و مبالغه  
این قسم خرافات باطل در جرائد دیگران از جا به صبر  
و شکیبائی بیرون نروند که رقبا را برای بشرفت مذهب  
خود هراسان گونه (بالک) است

( تا نشان سم است که در )  
( برکان ساحل را وارو در )

و رجوع جرائد اسلامیه فرصت عن و عین فرص  
است که بی به نکات نگارش این گونه عناوین احذیان  
برده پس از تحقیق تردد نمایند که سوم آن سخنان  
بر قلوب اسلامیان سرایت نکند و درخت نفاق که  
میجدهش اضمحلال است نمر به بخشد

حبل المتین

وقایع نگار حبل المتین می نویسد - جناب مستطاب  
آقای مفتاح السلطان وزیر مقیم برای رسیدگی به امور  
فوسلحانه چند وزی رونق فروردین می شده - از  
سال گذشته ترتیبات صحیح برای قود اجانه داده اند - گویا  
در همین امام به یلاق بونه خواهد بود - جناب وزیر مقیم  
ساعتی اندک در کوشش نیز به مدرسه و انجمن مکه مظفری  
که خودشان مؤسس اند غرض از آنست که در همراهی بر کارند  
و یقین است اقدامات سخنانه ایشان - اس این انجمن و  
مدرسه را که نام مبارک اعلی حضرت اقدس شاه شاهی  
افتتاح شده برای همیشه قائم و استوار خواهد داشت  
جانشان برای دیرینه و - خدمات دوساله جناب مداح السلطان  
در مد منظور نظر او ای دولت عالیه شده یک قطعه شان  
بمثال بی مثال مبارک همایونی که از امتیارات بسیار بزرگ  
دولت رفاه افزون است در حق ایشان مرحمت شده است

حبل المتین

اعضای اداره نامه اقدس به نیل ابن عاطمت بزرگ  
همایونی و سرامراری بدین موهبت عطای جناب مفتاح  
السلطان را یک و تهنیت گفته از خداوند توفیقات  
ایشانرا بیش از پیش در خدمات ملیه و دوایه خواهان  
و ترقیات شان را امیدواریم

حقیقه تلگرافات

( ۲۹ محرم - ۱۶ اپریل )

§ خبر روتر از توکیو خبر میدهد بتاريخ یازدهم

امیر البحر ژاپون (توگو) بر بندر آرتر حمله نموده سرنگهای  
دریائی را نیمه شب در زیر آب تعبیه کرده تا هتت فرسخ  
کشتیهای جنگی روس را تعاقب نموده عاقبت کشتی زره پوش  
روس (بتروپاولوسکی) بسرنگ مصادم شده غرق گردید  
§ در بتروپاولوسکی فواید است که کشتی جنگی زره پوش  
روس (بتروپاولوسکی) را یکی از چهارات جنگی ژاپون  
غرق نموده و مقتصد و بجاه نفر را مرگب چشاید  
§ دو نفر افسران ژاپون که در ابس اهالی (لاس)  
و در خراب کردن بل (پونی) می نمودند گرفتار  
و در (هارن) آورده اند

( ساخ محرم - ۱۸ اپریل )

§ خبر (روس) اقدامات امیر البحر (توگو) را درباره  
جنگ اخیر بندر (آرتر) بدین می نویسد - که کشتیهای  
دستراز و موشک نیم نی بر بندر آرتر رسیده سرنگهای  
دریائی را زیر آب تعبیه نموده - درین ضمن یک کشتی  
دستراز روس را غرق نمودند علی الصباح سه چهار  
روسی (بتروپاولوسکی) (یویداو) و (بالوا) بدسته از  
کشتیهای ژاپون حمله نمودند تا پانزده فرسخ کشتیهای ژاپون  
دشمن را دور زد چون دسته اول با نزدیک رسیدند  
به تعاقب آنها ناخند ناگاه کشتی جنگی روس (بتروپاو  
لوسکی) بسرنگهای دریائی مصادم شده غرق گردید و  
چهار دیگر روس که نام او را ندانستند نیز صدمه زیاد  
یافت از آن بعد چهارات روس وارد بندرگاه گردیدند و  
بعدها در تاریخ یازدهم کشتیهای جنگی ژاپون بر بندر  
آرتر حمله بر نتیجه نمودند - از قلعه جدید بندر آرتر  
جواب داده شد و ابدان قصاصی بر ژاپونیان رسید

§ خبر (روتر) از (سبول) پای تخت کوریا خبر  
میدهد که بتاريخ شانزدهم شهر حال می و سه نفر از  
قزاقان روس در (ساگچنگ) وارد شده قونسل ژاپون  
و بعضی از بنام گیران وارد (حن) شدند فواید است  
که پنج هزار قشون روس عنقریب خواهند رسید که  
ژاپونیه را در سواحل (یلو) خارج نمایند ولی خوف  
آن است که ژاپونیه رسیده همه آنها را بقتل رسانند  
§ دوات علیة عثمانی در البانیا و (متر ویترا) قشون  
زیادی میفرستد - چه دولت آستریا در سرحد مشغول فراهم  
نمودن قشون است اهالی یونان در مقدونیا بلوا نموده  
میجده نفر از مأمورین مالیات عثمانی را بقتل رسانیده اند

سجل المتین کلکتہ

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم ادارہ

(آقا محمد جواد شیرازی است)

ہر دوشنبہ طبع

(ومہ شنبہ توزیع میشود)

بتاریخ دوشنبہ

(۱۵ صفر ۱۳۲۲ ہجری)

روزنامہ مقدس

فیہ اشتراک

(سالانہ - شش ماہہ)

ہند - و برمه

۱۲۰ روپیہ ۷ روپیہ)

ایران و افغانستان

(۴۰ قران ۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۳۰ فرنک ۱۷ فرنک)

روس - و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ منات)

سجل المتین

سنہ ۱۳۱۱

مصادف با

قل ار دریافت نمودن قبض ادارہ

(۲ می (۱۹۰۴ میلادی) خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) (۱۰ منات - ۶ منات)

در این حربہ از ہر گونہ علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی تحت میشود  
مراسلات عام المہمہ مقبول و در انتشارش ادارہ آراست

فہرست مندرجات

- سیاسی • صورت خطابہ • انزلی • بقیہ تلگرافات •
- داستان روسیا • مکتوب از یکوہامای ژاپون •
- ترجمہ از جراید انگلسی بکوکوہاما • آغاز جنگ •
- قتل اردوزنامہ شریعہ تربیت • تمہ طرح عرضہ است کہ
- بخا کپای شاہنشاه شہید سی سال قبل عرس شدہ بود •
- اخبارات خارجه • سرمایہ سعادت ہیئت اجتماعہ •
- مکتوب بوشہر • حرکت فرما فرمای ہند بجزائ لندن •
- اعلان از جانب حکومت بنگالہ • تلگرافات • کلکتہ •

سیاسی

از بہد قتل سپہسالار کل قشون دریائی روس  
امیرالبحر (مکروف) کہ در شمار اولین رجال ذیفنون  
جنگ بحری بود تلگرافاً خبر متاہلہ نازہ رسیدہ درین  
چند روز آنچه تلگراف رسیدہ تصدیق بر شکست  
قاجار روس در آن وقعہ و تشریح واقعات آن  
میدان است

ہر گاہ از روی مذاقہ ملاحظہ شود شکستہای  
روس درین جنگ از شامت نفاق و اختلاف آراء  
درباریان است۔ در دربار امپراطوری روس دو فرقہ  
صاحب نفوذ و ہر یک مخالف حکمت عملی آندیگری  
دیدہ میشوند۔ (کونتلسدورف) و (چلند)

کرہ باتکی) صدر شناختہ میشد۔ فرقہ دیگر و (مسیو  
دی پاہوی) و (مسیو پزو پراف) و امیرالبحر  
(الکساف) رئیس اند

فرقہ اول مائل بجنبگ نبودد یعنی منتقضای وقت  
و صلاح دولت را امروز در جنبگ عمیدیند۔ فرقہ  
ثانی فتح را پیش با اقتسارہ و جنگ را لازم بل طایہ  
فیروزی و استقامت دولت در اقصای شرق تصور  
میکردند۔ در دربار روس رسوخ و قوت آراء فرقہ  
اخیرہ غالب آمد۔ و حال آنکہ دانش و سیاست فرقہ  
اولیہ مسلم جہالیان بود۔ و از تجربہ آنان تاکنون  
دولت و ملت روسیہ فوائد عظیمہ حاصل کردہ بودند  
توحات بی دربی ژاپون و شکستہای قاجار روس  
سحافت رأی و خرافات عقل فرہ ناپویہ را در دربار  
دولت مشارالہا طاهر داشتہ از آن رسوخ و نفوذ  
اولیہ تنزل یافته اند۔ این است کہ امیرالبحر (الکساف)  
از وضع کار و تغییر حیالات دربار برآشفته استغفا داد  
وضی کہ در دربار روس پیش آمدہ صاف طاهر  
میدارد کہ استغضای امیرالبحر (الکساف) قبول خواہد  
شد۔ چون فوراً استغضای اموروث خلل در امور جنبگ  
و چیرگی دشمن بود۔ امپراطور روس قبول فرمود۔ پس  
از آنیکہ امیرالبحر (اسگریدوف) در اقصای شرقی

وارد و کلیه امور بحری را بکف کفایت خود گرفت  
 استعمای (الکساف) قبول خواهد گردید - امیرالبحر  
 (اسکریدلوف) نیز در حصه اولیه شامل و پیرو حکمت  
 عملی (کونت لسدروف) و (جنرل کروپاتکن) میباشد  
 و از رجال ذیبنون ساخته شده است  
 وزیر خارجه روس (کونت لسدروف) قبل از  
 آغاز جنگ در دربار قریب بدین عنوانرا اظهار نمود  
 امروز روز با کمال استعداد بازم باید بر دشمن  
 به تدابیر سیاسی غایب جست - چه جنگ دو رو دارد  
 روست تا جایی که ممکن است پیرامون وی نباید گردید -  
 از آن راهیکه امروز غلبه بر خصم به تدابیر است نمیتوان  
 دشمن را با هرگونه ناجیزی حذر شرد - چه بسا  
 دشمنهای کوچک که در جنگ تدابیر بزرگ بکار برده اند  
 در جواب وزیر خارجه (مسبودی پلهوی)  
 اظهار داشت که نرمی و رأفت و رحمت دولت خصم را  
 قوی دل ساخته - او را مسلم شده که دولت قوی روس  
 بواسطه صاحب خواهی و امنیت حوق پیرامون جنگ  
 نخواهد گردید - ازین رو بای از کلام خود دراز و در  
 خواهشهای خود سختیهای بیرون از اندازه مینماید  
 و همین نکته سبب جرئت و جسارت خصم شده هرگاه  
 در آغاز محاربات جواب خصم دندان شکن داده شده  
 بود - تا این پایه جسور و دایر نمیکردید - هر قدر دولت  
 روس نرمی در خواهشک خصم نماید دشمن سحق  
 خواهد کرد - علاوه بر اینکه بر منافع روس در  
 اقصای شرق نقصان وارد می آید - رعب و هیبت و  
 شوکت او در جمیع دول قس حاصل خواهد نمود  
 چون غلبه رأی و قوت نفوذ که بطرف جنگ  
 شد امیرالبحر (الکساف) که فرما فرمای مطلقاً سو بجات  
 اقصای شرق بود غیر در جنگ و صلح گردید - بدین  
 معنی که جنگ و صلح بسته برای او شد - از آراهی که  
 مشارالیه طبعا طرفدار جنگ بود بیگدار بآب زده با  
 خصم مستعد ووشیار قبل از آنیکه استعداد کامل  
 پیدا سلسله جنبان جنگ گردید - و بالغ بر پجاه  
 مایون فقط نقصان طالی بدولت متبوعه خود وارد  
 آورد - علاوه بر اینکه هفتصد میل خصم را جلو  
 انداخت رعب و هیبت روس را از قلوب جمیع دول  
 دور بساخت بلکه هرگاه دولت روس مقتدر نشود که

تلافی این نقصانات را بخصم نماید - باید مایه شکست اندی  
 دوات مشارالیه تصور نمود - و منافع کثیره که در  
 اقصای شرق مد نظر داشت تماماً بایمال خواهد گردید  
 برخی از جرائد فرانسه که طرفدار صلح اند از  
 استعمای امیرالبحر (الکساف) بخشم آمده می نویسند  
 که امیرالبحر موصوف چنان تصور میکنند که فقط  
 باستعمای او وکناره گرفتن از جنگ آسوده تواند ماند -  
 تمام نقصانات جنگی دوات روس را زمه دار اوست که  
 مختار مطابق در جنگ و صلح بود - و مقام و عهده  
 در بر اعظم آسیا داشت که شخص شخص پیرامونی  
 در بر اعظم اروپا دارا نبود - ولی از عدم علم و تجربه  
 نگاری اقدام نمود که اسباب شکست دولت متبوعه خود  
 در انظار جمیع عالم گردید - افسوس که این اختیارات  
 غیر محدود را این سردار جلیل القدر به اغراض نفسانی  
 مخلوط نموده نتوانست این مقام منیع را برای خود  
 نگاهدارد - و در چنین موقعی که ابد مستعد نبود  
 اقدام بجنگ کرد - هرگاه دانسته چنین عمل نمود  
 خیانت کرده - و اگر ندانسته کرد بی تجربگی و عدم  
 لیاقتش ظاهر میگردد - اگر (الکساف) از آغاز محاربه  
 ژاپون مخالف صلح نبود دولت روس از جاده صلح خواهی  
 بای بیرون نمی نهاد - عهده این جنگ امیرالبحر (الکساف)  
 بود که تا آخر مخالفت با خواهشهای صلح خواهان  
 ژاپون نمود - و اگر گفته شود (الکساف) خطا کرده  
 و به غلطی رفته است باز هم عدم سنجیدگی و مال  
 اندیشی و تدبیر او ظاهر خواهد گردید - که ادا از  
 مزاج و مقاصد و استعداد ژاپویان مطلع نبوده است  
 اولین خطائیکه در اداره (الکساف) ظاهر گردید  
 که او را زمه وار قرار میدهند - غفلت امیرالبحر (استارک)  
 در اول حمله ژاپون به بندر (آرتھر) است که در  
 حین حمله دشمن بیست و عشرت و (نیاز) مشغول بود  
 این است که چون او را طلب کردند از شرم بقتل خویش  
 مبادرت کرد - و جنرل (استارک) از سرداران تحت  
 فرمان امیرالبحر (الکساف) بود خطا و نالایقی وی  
 عاید بدوست

خطای بین دیگر امیرالبحر موصوف که کلیه  
 مخالف با فن جنگ تسلیم شده - همانا تجزیه قوای بحری  
 روس در سه مقام است - عوض آنکه همه قوای

بحری خود را در يك مركز بجلوگيري دشمن جمع نماید حصه را به بندر ( آرهر ) و ثلثی را به ( چلفو ) و دسته را در ( ولادی ووسك ) محصور داشت

آخرین خطای او این بود با اینکه عدم استعداد خویش را مبداهت نباید اقدام بجنگ کند - و خصم را بمخشم آورد - لازم بود بهر تدبیر ممکن شود جواب خصم را پلتيکانه داده تا تداركات جنگی خود را کاملاً دیده از آن بعد اقدام بجنگ نماید - چه این مسئله را دولت روس خود تسلیم دارد که ابداً مستعد جنگ نبوده و شکستهای بی دری او نیز این معنی را بخوبی مینماید - ورنه در هرصه سه ماه لابد در يك میدان روسیان را هم فتنی نصیب شده بود

این عقیده را نمیتوان تسلیم کرد که چون قوت جنگجویان در دربار روس کم شده بمحرد استغزای ( الکسر اف ) جنگ تبدیل بصلح شود چه امروزه دولت روس نمیتواند از در صلح و سلم درآید

( جنرل کروپاتکن ) به تدبیر و آرامی سعی است که در يك میدان پیش قدمی نموده تلافی از ژاپون بگیرد و شکستی که برعب و هیبت روس وارد شده دفع کرده سپس نرمی و ملایمت اختیار نموده ژاپونرا فریفته صلح سازد و هرگاه بدین تدبیر نائل نیامد لابد رشته این جنگ به درازا خواهد کشید - خصوصاً اگر این خبر مقرون بصدق ثابت شود که سی و سه مایون ( استرانگ ) روس قرض حاصل کرده است

از امور مهمه که طایه اشکاک برای لشکر کشی روس شده همانا دریاچه بیکال است - رقبه این دریاچه هزار و دویست و بیست پنج مربع میل میباشد و هزار و سیصد و پنجاه ( فیت ) ارتفاع با سطح دریا دارد - ارسکو تا این دریاچه سه هزار و چهارصد و چهل شش میل گفته میشود و ازین دریاچه تا بندر ( آرهر ) هزار و نهصد و سی و شش میل فاصله میباشد - و تا ( ولادیبودسك ) هزار و هشتصد و پانزده میل معین شده - در ایام زمستان دریاچه مذکور بخی بسته قافله و عابرین سیل اردوی بخی عبور مینمایند - و دولت روس هم برای تدارك لشکر کشی يك گونه خط آهن مخصوص انداخته مانند سایر راه های آهن خشکی بسرعت دو حرکت است - چون موسم گرما نزدیک رسد مجبور آراء عبور از دریاچه مد میگردند - اینك

باید با راه آهن تا ساحل دریاچه آمده سپس با کشتی عبور کرده سوار بر قطار راه آهن گردید - و این معنی با عجالت در امور لشکر کشی منافات دارد - و تداركات جنگی روس را بسیار عقب می اندازد چه بخی بندی دریاچه از آغاز نومبر تا آخر اپریل است -

اینك رنيس راه آهن روس ( برس - سولکاپوف ) همت گماشته که راه آهن دور دریاچه را بکشد - مشکل این است که زاید بر یکصد و بیست میل این مسافت از وسط کوه و فراز و نشیب بسیار و از میان غارهای طبیعی و سوراخهای بسیار طولانی مصنوعی باید عبور نماید تا کمال سرعت و استعداد هرگاه در تعمیر آن اقدام شود یکی دو سال طول خواهد کشید علاوه بر این نیز اراضی دور دریاچه ( بیکال ) تا وقتیکه قابل به انداختن خط راه آهن شود تعمیر بسیار لازم دارد - مع ذلک برس موصوف مدعی است که تا آگست ماه آینده این راه آهن تعمیر خواهد شد و هرگاه از روی اضراق و غلو سخن نگفته باشد و تا ماه آگست این راه آهن تعمیر شود اعجاز روسیان را در این فن تسلیم باید نمود در منچوریا فعلاً دویست و چهل و پنجاه هزار قشون روس موجود و تا آخر اپریل سیصد هزار خواهد رسید و تا ستمبر ماه زاید بر سیصد هزار قشون روس در منچوریا جمع خواهد شد

عقیده روسیان بر این است که عده قشون مذکوره برای سرکوبی ژاپون کفایت تواند کرد ( جنرل کروپاتکن ) بدین اراده است که اردوی اطمینان کامل با دشمن مقابله نماید - بخودی خود تا وقتیکه امید قاطع در فتح نداشته باشد اقدام بجنگ نخواهد کرد و چنان اراده دارد که قشون ابومی در ( هارین ) جمع نموده که چون ژاپویان بدان جانب روی آرند قسمی آنها را قلع و قمع نماید که از آن بعد قوت و قدرت بیداری در آنان نماید

( جنرل کروپاتکن ) سیصد هزار قشون برای جنگ ژاپون کافی تصور کرده - و این عده لشکریان آماده و مستعد است - از قرائن حرکات روس و ژاپون چنان معلوم میشود که جنگ عظیم در بندر ( نیوجوانك ) عنقریب خواهد شد - ژاپونیها تپه و تدارك فرود آوردن قشون زیادی در آن نواحی نموده روسها نیز

توبه دفع آنان را کاملاً دیده شهر نیوجوانک با اینکه در کمال استحکام قلعه بندی دارد روز سه شنبه قلعه را نیز رمل ریخته که علاوه بر وی سرایت نکند و توبه ای عظیم بر چهار دیوار (نیوجوانک) نصب نموده رجهای جدید ساخته از منچوریا هم رور لشکر در آنجا زیاد میشود - و در میدانیکه بین دریا و قلعه واقع شده خندقهای وسیع کنده و انطومات صحیح نموده اند فتح چنین مقام برای ژاپویان خیلی دشوار است - رعایای خارجه را نیز حکم شده که در ساحل ابدان تصرف نکرده فقط روابط خود را با جهاز از حی درات متوعه خویش فرار دهند (نیوجوانک) نیز آلوده محکم قرار یافت - تا وقتی که امنیت برقرار نشود - حکم شده که دول خارجه جهازات حی خود را از نیوجوانک حرکت دهند بیست هزار قشون روس در (نیوجوانک) وجود و ده هزار دیگر نیز طلب شده است - روسها مسماکات خودشان را در آن نواحی بهر آنکه ها برای حفاظت واگذار کرده چون ژاپویان قبول این معنی را نکرده اند اینک از آلمان خواستگار گردیده اند که تا فیهله جنگ - تمامات روسیان را در آن نواحی حفظ نماید دولت ژاپون ابدان قبول این معنی را نمیکند که دول خارجه درین گونه مواد تصرف نماید - چه در جنگ هرگاه موقع بدست ژاپون آید مواد اموال دوسیان را غارت نماید هیچ دوتی او را ازین حق مشروع باز نمیتواند دست اموال است که بجای هزار قشون روس در ساحل رودخانه (یلو) جمع شده و تدارک جنگ بزرگی در این نواح دیده میشود - بموجب - بر ناگرافی (توکيو) عده قشون ژاپون که هر قلعه نخواهد در هر آن میتواند حرکت داد و بدست و نصبت هزار است و نصبت هزار قشون نیز در مقامات مناسبه برای حفاظت و نگراي مین است سرداران ژاپونی را اراده بر این است که با سه اردو که هر اردو عبارت از صد هزار قشون باشد بر تمام حمله نماید و برای هر يك از این اردوهای آلايه ذخیره قورخانه و افواج ککک مهیا نموده اند منزل مقصود یکی این اردوهای سه گانه شمال غرب (کوریا) است - اردوی دوم در دهنه رودخانه (یلو) پیش خواهد رفت - اردوی سوم بجانب (نیوجوانک) حرکت خواهد نمود - این سه اردو قسیمی حرکت خواهند کرد

که با خبر و توبه و توبه یکدیگر باشند - بدین گونه حرکت اردو جمیع منچوریا را تسخیر خواهند نمود - و در منچوریا این سه اردو ملحق بیکدیگر شده آخرین میدان جنگ را (مکدن) و (هارین) قرار داده آنها منتظر نتیجه خواهد بود

سرداران ژاپونی را گمان این است که از روی این نشانه کشیده و مطابق این ترتیبیکه داده در جنگ بری نیز بر دشمن غلبه خواهند کرد - از تکرافات جدید طاهر می شود که شانزده هزار لشکر بان ژاپونی تحت فرمان (جنرال اینسای) با تدارکات کافی از رودخانه (یلو) عبور نموده و بجانب (چینائین جنگ) یورش آورده اند - و يك اردوی منظم دیگر ژاپون در ساحل منچوریا بجاك آمده برای راست حمله بر (کپو مانک) خواهد نمود - دولت ژاپون از سه جانب بلك مرتبه حمله بر منچوریا خواهد کرد

در (توکيو) ترقی خواهان دولت مجلسی آراسته پس از تقریرات شور انگیز (گونت اوکوما) اظهار دانسته است که مات غیور ژاپون تدارک بزرگ دیگر نیز قبل از وقت باید نه نمایند - یعنی در صورتیکه دول اروپا در امور جنگ دخل بی جا و تصرف غیر مشروع نمایند مستند جواب دندان شکن آنان باشند - و نیز بیان شد که مصارف جنگ خیلی عظیم خواهد بود - جای پریشانی و تشنگی حوصله نیست چه استحصالی قرض خارجی و داخلی برای ژاپوسان همه قسم آسان و مهیاست یکی از حرائد ژاپونی می نویسد که دولت روس لقمه بسیار بزرگی را بدون آلايه برداشته بعبارة آخری خواست جمیع چین را اع نماید - همان صوبه منچوریا که روس بخمال خود از هضم رابع نیز گذرانیده و وطن اصلی فرمانروایان چین است - فرمانروایان چین را که از خاندان (منچو) میگویند بجهت آن است که اصلاً از منچوریا میباشند و این امر از تمکذات نیست که دولت چین و ژاپون تحمل آیند که شهر مقدس (مکدن) که پای تخت منچوریا و محل تولد و وطن خاندان سلطنت چین و مقدس ترین شهرهای روی زمین است در قبضه دولت و مات دیگر ماند - قبضه (لیکن) برای روس در نظر چینیان آسان تر از تصرف و نگاهداری شهر مقدس (مکدن) میباشد

امپراطور روس در ماده عدم قبول استغفای (الکسراف) فرمودند روسیان در چنین موقع نباید اظهار شخصی را بر منافع دواق ترجیح دهند) این سخن مبنی بر رنجش قلبی امپراطور از ایشان است دو جہازات جنگی (لمبولسک) و (اوریل) را حکم شده که در دریای سیاه جہازاتی که از اروپا بجانب اقصای شرق حرکت مینمایند تلاش کرده هر یک که برای ژاپون از سامان حرب و اساس جنگ حمل دارند گرفتار و تصرف نمایند تا بدین وسیله ژاپون نتواند از اروپا سامان جنگ طلب کند ژاپونها بر این تدابیر روس می خندند

### صورت خطابه است

که شاهزاده آزاده کمال الدوله (دهلوی) که پدرش در زمان شاه تیمور از ایران بمرز و بوم هندوستان هجرت کرده - بدوست محترم خود نواب جلال الدوله شاهزاده ایران شرح خرابی و ویرانی وطن را نگاشته و این خطابه مبنی بر یکصد عنوان است

### (عنوان اول)

دوست عزیز من - جلال الدوله - عاقبت سخن تورا نشنیده در مراجعت از فرنگستان از راه تبریز وارد بخاک اندوهناک ایران شدم - ای کاش نیامده بودم و هموطنان قدیم و خویشان کهن و وطن اصلی پر بلا و سخن خود را ندیده بودم - و از احوال و عادات و اخلاق و روش و کیش و مذهب و آئین ایشان مطلع نمیکشتم و دلم خون و آب - و جگرم پارچه پارچه و کباب نمی شد

ای ایران اگرچه تاریخ بزرگی و عظمت و شوکت و جلال و قدرت در دست تازیان سوخت - و بزرگم گم گم گروه غارتگران پایمال گشت بقسمی که یکورنی تاریخ صحیح از دو هزار سال قبل ایران در دست نماند - ولی تواریخ یونان و الواح آثار عتیقه ایران که در دست غارتگران ویران شده با نشان میدهد که بزرگی و شوکت و قدر و جلال تو بیجه پایه بوده است - تقهجات طاق بستان و کوه بیستون باواز بلند برای ما داستان باستان را حکایت مینماید - حدود حکمرانی پادشاهان ایران تا چه کران بوده است (داریوش) که باصطلاح هرمان شاپور ذوالاکتاف است دوازده پادشاه بزرگ عالم را طوق بندگی به گردن

نهاده و بزیر زنجیر فرمانبرداری خویش کشید - بود - و آخرین آنان پادشاه یونان است که در عتبه شاه ایران همه برخاک سائیده و داریوش پای جلال بر پشت و دوش او میخاد - بزرگی بین - و جلال را تا شاکن - اشکال مصوره تخت جشید درجه تمدن ایران را در چهار هزار سال پیش گواهی صادق و بینة ناطق است که در آداب سلطنت و طمطیخ جلال و بدایع صنایع و ظرایف حرفت و حجاری و نحاری و مهندسی و معماری و اسباب مبل و زندگی چه وضع وجه طور کامرانی داشتهاند - حق ستره و باطلون که نمره تمدن امروزه فرنگستان نمایان است ایران در چهار هزار سال قبل دارا بود - ارا به که نتیجه ترقیات موجوده اروپا شناخته میشود در عصر جشید معمول شوارع و طرق ایران بودی - توب و توپچی که امروزه با آن نظام از مدارس صنایع و دارالفنونهای کزوی پاریس بیرون می آید در بهترین وضعی در پیشگاه تخت کیانیان (پارس) خدمت کرده اند

خلاصه در - دیوار - کوه و بیابان ایران بر تمدن آن قوم اصیل گواهی است با برهان و دایل (آثار پدید است صنادید عجم را)

دیگر از شواهد تمدن ملت باستان ایران همانا زبان شیرین بیان ایشان است که برای اثبات مدنیت این قوم شاهدهی صادق و بیه است موافق عدل و مطابق منطق - و زبان حرمت بحقیقت تاریخی است که دلالت میکنند بر کیفیت حالات و طرز و طور اعتقادات و جزئی و کلی حرکات و سکانات آن ملت - اگرچه در ناخت و ناز نازیان نه همان مال و منزل و فرزند و عیال و هنر و اقبال ایرنیان یغما و تاراج و شهرها و قصبهها و آادبهای بار و طار و خراب و باثر گردید - زبان لطافت بیان عذب و شیرین مات فارسیه را بهسایت فاسد و هفشوش و محتل ساخت - و بالکلیه از تداول و استعمال دور نموده مهجور داشت - ولی بقدر اینکه بتوانیم اقامه حجت و برهان برای اصالت و قدامت و شرافت و مدنیت قوم کیان نمایم باز در میدان داریم - مانند اینکه از لفظ (حوز) و (حوز) که پیرامی آفتاب است میتوانیم استدلال کرد که اهالی ایران بواسطه پرستش خورشید یا بسبب اینکه

ایشان در مشرق آفتاب واقع بوده ( آریایی ) و ( آریانتال ) و ایران که همان محرف ( دیوان ) است میگویند - و ( اروپ ) و ( اروس ) و ( اروم ) و ( ارمن ) و ( ارنبود ) که در ابتدای ایشان کله ( اور ) است یا اینکه در قدیم از جنس ایرانیان بوده و از آن خاک باطراف جهان متفرق شده اند یا بمناسبت اینکه آنان که در مغرب آفتاب واقع گشته ( اوروپ ) و ( اروپ ) نامیده شده - و آنها که در شمال مغرب آفتاب واقع شده اند به ( هوروس ) مسمی گردیده و اقوامیکه در جنوب مغرب واقع اند ( مورم ) گفته شده اند و دیگر آن معلوم نیست بجهت مناسبت ( ارمن ) و ( ارنبود ) گرفته اند بالجملة - مقصود ما بر هر دو فرض یا فرس دیگر ایست که لوایف بزرگ عالم که موسوم بامم ( مور ) و ( اور ) هستند در زیر سایه ایرانیان و سایه کلمه فارسی زبانان موسوم و معروفند - و این بزرگ دلیلی است بر اینکه زبان فارسی در قدیم الایام عالم گیر بوده و طوایفی بدین عظمت و بزرگی موسوم بزبان ( پارسیان ) بوده اند - باز همین دلیل است که مات ایران یا بدر تمام این مال عطیة تمدنة عالم اند یا و اینکه يك زمان دراز بوده که برکل این مال ایرانیان سلطنت و استیلا داشته اند در هر حال - مقصود اصلی اثبات اصالت و قدمت و مدنیت مات ایرانیه است که ازین بجهت حاصل میشود و همچنین از لفظ ( میزبان ) و ( بدوح ) که عرب ( بدو ) است که آلان روی باصکتها می نویسند و غیره و غیره معلوم میشود که در این مات از قدیم مانند اهالی امروزی مرکستان غذا بر سر نیز میچوردند - و در هر شهر ( جایر خانه ) داشته و از لفظ ( آستری ) که ( ستاره نامه ) باشد معلوم میگردد که علوم هیئت و هندسه و نجوم را یونانیان از ایران اقتباس نموده اند هرگاه کسی در آثار عتیقه و الواح و خطوط قدیمه و کلمات و الفاظ و حکایات و ضرب و امثال زبان فارسی بدقت ملاحظه کند بزودی اذعان و تصدیق خواهد نمود که ملت ایرانیه قومی اصیل و متمدن و نجیب و دارای شأن

وحشمت و سلطنت و ار اکثر ملل قدمت آنان پیشتر و شوکت و اقتدار و تمدنشان زیاده بوده است ( باقی دارد )

### انزلی

وقایع نگار مامی نویسد در این دهة محرم عزرا داری خامس آل عبا علیه السلام را اهالی انزلی از کسبه و تجار غریب و بومی نیکو بجای آوردند - دسته های سینه زن شب و روز به تکایا با علم های ماتم در گردش بودند - دسته تجار مسجد ( خان ) خوب همت کرده با مصارف فوق العاده عزرا داری عشر اول محرم را انجام دادند - با رسال معین دیوان مرحوم نایب الحکومه انزلی آنها درجه دسته تجار مسجد ( خان ) را پذیرائی کرد امسال بجهت مصلحت است نمیدانم نایب الحکومه حالیه که فرزند آن مرحوم است دسته تجار را منع از گردش به تکایا در شب نمود - ابتداء اجازه گردش یافته سپس حکم صادر شد که تجار نباید دسته خود را به تکایا حرکت دهند تجار هم بامتثال امر اطاعت نمودند - باینکه حضرات از رشیت دسته موزیک عنرا خواسته بودند - امشب شب عاشورا بیت باید دید باز تجار مسجد ( خان ) ممنوع از حرکت دادن دسته به تکایا خواهند بود یا نه ؟

بعد از فوت معین دیوان از موقوفات آن مرحوم در یکی از مساجد خاصه خودشان بنائی نمودند فرزند آن مرحوم زیاده بر تصور مصارف ماتم داری خامس آل عبا سید مظلومان را در این دهة محرم متحمل شد که ثواب آن عاید به والد مرحومش باشد

معین دیوان مرحوم با اهالی انزلی نیکو سلوک نمود یعنی مردی بود عاقل امور را از روی بصیرت انجام میداد - اهالی همان خوشسلوکی را از فرزند او چند ایشان چشم داشته و دارند - و انشاء الله بهتر از آن مرحوم با آنان رفتار خواهد شد

ناظم التجار رئیس سلسله عزاداران مسجد ( خان ) پیوسته همت خود را صرف عزاداری خاندان نبوت مینماید همه ساله رحیب شیمه مرضیه نصیحة ( خان ) را چادر بزوک زده سیاه پوشانده از مصارف در این راه

ابداً مذاکراته ندارد سایر تجار محترم نیز در این راه خیر نیکو بذل مال و منال مینمایند امسال قدری دماغشان را بابت منع حرکت دسته آنها سوخت خداوند اجر جلیل و ثواب جزیل بهمه عنای فرماید

بقیه تلکرافات هفته گذشته

( صهرالمظفر - ۱۸ اپریل )

§ از خبریکه امیرالبحر ژاپون ( توگو ) داده طاهر می شود که یازدهم شهر حال کشتیهای موشک ژاپون خود را بدهنه بندر آرتر رسانیده و در مقصد خود مقضی المرام گردیده اند

§ امیرالبحر روس ( الکس اف ) نشان خود را در (سواستپول) باند نموده منتظر قدم امیرالبحر (اسکریدلوف) است

§ در کاغذات نیم رسمی روس ذکر برخی قصاصات ژاپون در آخرین جمله بر بندر (آرتر) شده است § افواه است که دسته بزرگی از کشتیهای ژاپون در شمال بندر (آرتر) قرب (کنجو) نمودار شده اند § پنج کشتی جنگی درجه اول که روس در پتروسبرگ مهیا نموده بجان بندر (آرتر) حرکت نمود

§ (مستر آرنلدهاستر) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که ملای منتون سومالی - بجان مرحد ایتالی گریخته و بسیار از بیروان خوش را به هلاکت اداخته حیوانات زیاد را نیز تلف نموده است - بیروان او همه مقهور و منسوب شده در مقامهای بی حصار احاطه شده اند - ازین رو دولت انگلیس ضرورت می بیند که زیاده بر این ملا را تعاقب نموده پیش قدمی باید لذا بر قشون سومالی تخفیف داده شد - تخمینه مصارف این لشکر گسی (۵۰۰۰۰۰) لیرا میباشد

§ (مستراپرت) در دارالشورای ملی انگلستان سؤال نمود در صورتیکه مقاصد دولت انگلیس در (کیانز) تصفیه پذیرد آیا کبیسون جنگی نا ( لاسه ) پای تخت ثبت خواهد رفت یا نه ؟ (مستر برادرک) جواب داد که دین موضوع دولت صلاح ملک را در این میدانند که

این خبر را موقتاً بحضور عامه پیش نهانید § بعد از امضا رسیدن معاهده عثمانی و بلق در چهارصد اسرای بلغاریه که در (ادریا نوبل) مقید بود آزاد نمودند ( ۲ صفر - ۱۹ اپریل )

§ احبار (دیلی اکسپرس) می نویسند که ( مستر ارماتله فارستر) نقشه درباره ترتیب قشون انگلیس کشیده که چه در زمان صلح و چه در ایام حرب هماره (۱۰۰۰۰۰) قشون مسلح در زیر امر جبرطای آزاد مهیا و آماده باشد و نگرانی این امر بدمه (جنرال ائاتن) و (لاردا کچر) خواهد بود

§ (ارل برسی) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که در ماده ملای (بنسوله) میان انگلیس و سیام شرایطی چند شده است - ولی بحسب خواهش دولت سیام عقود شرایط نااه را افشا نتوان کرد

§ پادشاه انگلستان با زوجه محترمه شان عودت باندن نمودند

§ (برس آف ویلر) وایمهد دولت انگلیس با زوجه محترمه شان (۱۹) اپریل در (ویانه) امپراطور آستریا را ملاقات کرده با منتهای محبت و احترام پذیرا شدند از هر جا که عبور می نمودند اهالی آوارهای مسرت آمیز در میدادند

§ (دیوکراتک اسنیت کانوش) رای خود را در ریاست جمهوری آنازونی بطرف (بارکر) قاضی القضات داده چه قاضی القضات مذکور نیز دو طلب ریاست جمهوری دولت آنازونی شده بود

§ شب دو شنبه آراز شلیک بسیار شدید از طرف (چیوه) بگوش میرسید

§ افواه است که امیرالبحر ( الکس اف ) از عهده خویش استعفا داده برخی میگویند استعفای ایشان بواسطه اشکالات جنگ اقصای شرق است حاجتی را عقیده این است که چون دولت روس امیرالبحر (اسکریدلوف) را بدون مشوره وی حاکم فرما فرمای کل است به امیرالبحری اقصای شرقی منتخب نموده رنجیده استعفا



داده است

§ دارالشورای دولتی اسکاتلند مصارف کمیسیون ثبت را منظور نمود (لاردر اندسون) وزیر خارجه انگلیس ضمناً بیان کرد که (لاردر کرزن) فرمانروای هند خدمت بسیار بزرگی درین امر خاص بجای دولت و وطن خود کرده است - امری که مایه پیشرفت کمیون شد همانا قات قشون بود - دولت انگلیس بیفرسایه قبول کرده است که پس از تحقیق اگر دولت روس را حق درنواحی ثبت باشد تسلیم یابد - ولی این مسئله غیر آن است که روس دعوی ضرورت بت کند و یا بت سرپرستی روس را برای آزادی خود لارم شارد § حریق بسیار سخت در (تارتو) واقع شده بخام ایگر زمین تجارتگاه را سوزانده زاید برده مادون دالر نقصان وارد آورده است

§ در آستریا حملات راه آهن دست از کار کشیده عبور و مرور مسافرین سد شده تا کنون زاید بر هزار نفر حملات راه آهن گرفتار شده اند  
( ۴ - صفر - ۲۱ اپریل )

§ جنرال (کر، باتکن) سپهسالار کل قشون بری روس در اتصالی شرقی رسماً خبر میدهد که تا کنون سواحل (یلو) امن است دولت ژاپون در طرف و بجو قوت خود را زیاد مینماید و قشون ژاپون در دو جانب (یلو) منتشر و بر استحکام مقامات مناسب آن می افزایند

§ مخبر (روتر) از (پتسبرگ) خبر میدهد که قشون تحت حکم (جنرال کروپاتکن) در منچوریا به سیصد هزار رسیده و این ادا از قشون را برای مقابله ژاپون فعلاً کافی میدانند لذا فرستادن لشکر را از روسیه ملتوی نموده است

§ سه افسر و بجاه و پنج لشکر بان روس از شکستن کشتی جنگی (پترائوشنی) در حمله که بتاریخ چهاردهم ژاپونیان به بدر (آرتور) نمودند فراق شده است § حریق (تلونو) حدودکی یافت یکصد و سی

غارات خاکسار و سیزده میلیون دالر نقصان وارد آورده است

§ حملات راه آهن (آستریا) که گرفتار شده بود رها شدند - چه رئیس راه آهن با آنها گفتگوی مصالحت دارد § از روی عهدنامه که دولت عثمانی با بلغار بسته چهار سال و بود و پنج نفر قیدیان بانار در (سلونیکا) آزاد گردیدند - سیصد نفر از قیدیان بلغار در قید خانه تلف شده اند

§ امپراطور آلمان وارد (سیسالی) گردید § در (پتسبرگ) تا کنون رسماً استعفا امیرالبحر (الکساف) را اعلان داده اند و چنان تصور میشود که انتظام کارها بطریق سهل و آسان خواهد شد

§ مخبر (روتر) از (توکو) خبر میدهد که اداره جنگی ژاپون مملو است از عرضداشتهای قومی برای شرکت در جنگ - سرداران و سپاهیانیکه ایام خدمتشان سرآمده بود مجدداً نام خود را برای شرکت در جنگ نوشته در قشون دو طب شامل شده اند - بالغ بر پانصد هزار نفوس رعایا تا کنون نام خود را در دفتر قشون دو طب نوشته اند

§ مخبر (رور) از (سیول) پای تخت (کوریا) خبر میدهد که هفتاد نفر محافظین سفارتخانه امریکا را حکم شده که بجانب (منیلا) حرکت نمایند - چه از روی عهدنامه قشون ژاپون نگران و حافظ سفارت خانه امریکا خواهند بود

( ۵ صفر - ۲۲ اپریل )

§ جنرال (کروپاتکن) رسماً خبر میدهد دو نفر سرداران ژاپنی که خود را از اهالی (لامس) جلوه داده و بجرم شکستن پل (نونی) گرفتار شده بودند عدالت لشکری حکم داد که آنها را طناب بیندازند ولی به ملاحظه شأن و مقام و عهده عسکری آنها را دهنه توب گذاردند

§ در (پران) پای تخت (آلمان) شهرت دارد که دولت روس اراده استقرائش می و دو میلیون استولگ دارد